



ارگان مرکزی

حزب کمونیست افغانستان

برای انقلاب کردن به یک حزب انقلابی احتیاج است. بدون یک حزب انقلابی، بدون حزب انقلابی ای که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیزم-لنینیسم-مائویسم و به سبک انقلابی مارکسیستی-لنینیستی-مائویستی پایه گذاری شده باشد، نمی توان طبقه کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیری اش رهبری کرد. (مائوتسه دون)

شماره ویژه :

فهرست مطالب

اظهاریه دفتر سیاسی حزب کمونیست افغانستان صفحه 2

حزب کمونیست پرو..... صفحه 6

صدرگونزالو رهبر حزب کمونیست پرو..... صفحه 9

گزیده های از سخنان صدر گونزالو

جنگ خلق پیروز خواهد شد ؛ خواهید دید !

دردفاع از صدرگونزالو

اظهاریه دفتر سیاسی حزب کمونیست افغانستان
--

برای نجات جان ورهائی صدر گونزالو مبارزه کنیم

صدر گونزالو ، صدر حزب کمونیست پرو ، بتاريخ دوازدهم سپتامبر 1992 توسط پولیس دولت ارتجاعي پرو به سردمداري فوجيموري این مزدور حقیر امپریالیزم آمریکا ، دستگیر گردید . مرتجعین پرویی و حامیان امپریالیست شان فکر می کردند با دستگیری صدر گونزالو ضربه کشنده و نابودکننده ای بر جنگ خلق در پرو وارد آورده اند و بزودی خواهند توانست خلق پرو را از پای بیاورند ، قصد داشتند پس از چند نمایش مسخره ، رهبر حزب کمونیست و خلق بپاخاسته پرو را اعدام نمایند . شکی نیست که دستگیری صدر گونزالو ، ضربه بسیار بزرگی است بر حزب کمونیست پرو و خلق پرو و نیز کل جنبش بین المللی کمونیستی و مشخصاً جنبش انقلابی انترناسیونالیستی . اما تعرضات متقابل صدر گونزالو ، انقلابیون پرویی و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی یکجا با جنبش وسیع دفاع از صدرگونزالو ، از درون زندان ، در میدان های کارزار و در عرصه بین المللی باعث گردید که دشمن نتواند به بسیاری از اهداف و خواسته هایش دست یابد .

صدر گونزالو از درون زندان باشهامت و پایداری يك رهبر کمونیست سربکف و استوار به دفاع جانانه ای از کمونیزم، مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع و مشخصاً جنگ خلق در پرودست زد. سخنرانی بیست و چهارم سپتامبروي از درون قفس زندان که با سرودن " انترناسیونال " توأم بود، مشت محکمی بود بر دهان مرتجعین و مرتجعین امپریالیست ها که با دستگیری وي به خیالات پوچ و واهی ای افتاده بودند. صدر گونزالو در جریان محاکمات مسخره ای که توسط رژیم فوجيموري به راه افتاد، یکبار دیگر مرتجعین و امپریالیست ها را پریشان ساخت و انقلابیون رانیروبخشید. او در جریان این محاکمات، شجاعانه از مسئولیت رهبری انقلاب پرو به دفاع برخاست و اعلام نمود که حتی رژیم فوجيموري و حامیان امپریالیستی را برای محاکمه خود به رسمیت نمی شناسد . کارزار بین المللی دفاع از صدر گونزالو که توسط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و " کمیته اضطراری برای دفاع از جان ابیمیل گوسمن (صدر گونزالو) " که مدت زمان اندکی بعد از دستگیری وي براه افتاد و همچنان ادامه دارد ، جنبش بین المللی وسیعی را که ده ها سازمان و حزب و میلیون ها نفر را درکشور های مختلف جهان در بر می گیرد ، بوجود آورد. شاید به جرئت بتوان بیان داشت که در تاریخ بشریت تا حال چنین دفاع وسیع بین المللی از يك زندانی سیاسی سابقه نداشته است .

اینچنین بود که رژیم فوجيموري نتوانست صدر گونزالو را اعدام نماید . محکمه فرمایشی ارتجاع حکم حبس ابد و جریمه بیست و پنج میلیارد دالر را در مورد وي صادر نمود . پس از برگزاري محکمه فرمایشی ، تلاش فوجيموري در برگزاري ريفراندم بخاطر قانونی ساختن حکم اعدام در پرو ، شکست خورد و تاریخ ريفراندم به اواخر جنوري 1993 به تعویق افتاد تا رژیم فوجيموري

طبق دستور ارباب آمریکایی تازه اش (رئیس جمهور جدید آمریکا) دست به اقدام بزند . این اقدام را نیز می توان و باید خنثی نمود و به دفاع از صدر گونزالو ادامه داد . پس مبارزه بر سر دفاع از صدر گونزالو را باید همچنان ادامه داد . باید کارزار جاری را پیش برد و توطئه های مرتجعین پرویی و حامیان امپریالیست شان را که قصد جان صدر گونزالو را دارند ، با هوشیاری و استواری دفع نمود .

حزب کمونیست افغانستان ، مطابق به اصول مرامی و تشکیلاتی اش و به عنوان یکی از احزاب شامل در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، در همسنگری با انقلاب پرو ، در چوکات عمومی انقلاب جهانی – که خود بخشی از آن است – متعهد است و این تعهدش بصورت مشخص در کنگره مؤسس با صدور قطعنامه ای در حمایت از جنگ خلق در پرو بیان نموده است . از این جهت حزب ما ، علیرغم محدودیت های ناگذیری که در مرحله فعلی مبارزاتی اش با آنها دست به گریبان است ، در کارزار دفاع از صدر گونزالو سهم می گیرد و سعی می نماید دامنه این کارزار را در میان نیروها و شخصیت های مبارز و انقلابی کشور وسیعتر و عمیقتر بسازد . دفاع ما از صدر گونزالو ، دفاع از رهبر کمونیستی است که نه تنها برای انقلابی پرو بلکه برای جنبش بین المللی کمونیستی و انقلابی جهانی خدمات قابل قدر و شایسته ای انجام داده است . این ، یک ادعای صرف نیست ، بلکه یک واقعیت روشن و یک حقیقت عیان است . نکات بسیار مهم و ارزشمند این خدمات عبارتند از :

1 – حزب کمونیست پرو تحت رهبری صد رگونزالو، برای اولین بار در جنبش بین المللی کمونیستی ، درفش مائوئیست را برافراشت ، این کار موقعی صورت گرفت که احزاب و سازمان های بسیاری بدنبال از دست رفتن چین سوسیالیستی و ارتداد آلبانی ، حتی سنگر " اندیشه مائوتسه دون " را رها کردند و یا در مورد آن به شك و تردید افتادند . اینك درفش " مائوئیزم " به درفش ایدئولوژیک سازمان ها و احزاب بسیاری در جهان مبدل شده است و دیر یا زود بعنوان درفش ایدئولوژیک رسمی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مورد قبول قرار خواهد گرفت . این امریست که مواضع ایدئولوژیک جنبش ما را روشن تر و محکم تر نموده و سطح ایدئولوژیک وحدت آنرا ارتقاء خواهد داد .

تاکید بر نقش پیشتازی حزب کمونیست پرو و صدر گونزالو در برافراشتن درفش مائوئیزم به این معنی نیست که حزب ما تمامی توضیحات آن حزب در مورد مائوئیزم را جزء به جزء قبول دارد ما مشخصا فرمول بندی " سه جهان در شکل گیری " و نسبت دادن آنرا به مائوتسه دون که در بخش " انقلابی جهانی " سند مصوب کنگره حزب کمونیست پرو بنام " مارکسیزم – لنینیسم – مائوئیزم – اندیشه گونزالو " آمده است ، مردود می دانیم . مواضع حزب ما در این مورد در مرامنامه اش روشن و گویا است .

2 – حزب کمونیست پرو تحت رهبری صدر گونزالو ، موقع جنگ خلق در پرو را تدارك دیده و آنرا برپا نمود که ظاهرا اوضاع بین المللی و نیز اوضاع داخلی پرو برای برآه انداختن چنین کاری مساعد نبود .

در سطح جهانی چین سوسیالیستی از دست رفته و آلبانی ارتداد نموده بود و این حالت روحیه یا خستگی عظیمی را در جنبش بین المللی کمونیستی دامن زده بود . در داخل پرو ، حکومت نظامی تازه پایان یافته بود و پارلمان تاریزم تازه از راه رسیده پرو بسیاری را در آن کشور شقیفته و شیدای خود نموده و جذب کرده بود .

اما حزب تحت رهبري صدر گونزالو ، از چنین اوضاع بین المللي و کشوري نه خاموش نشستن و پارلمانتاریزم را ، بلکه دست بردن به اسلحه و جنگ خلق را نتیجه گرفت و شجاعانه شنا کردن خلاف جریان را آغاز نمود . اینک جنگ خلق در پرو که توسط افراد معدودی از حزب کمونیست آن کشور آغاز گردیده بود ، بیشتر از يك دهه است که موفقانه جریان دارد . این جنگ که مرحله سخت و دشوار گذار " دفاع استراتژیک " را از سر گذرانده و وارد مرحله " تعادل استراتژیک " گردیده است ، جنگی است که عملاً سراسر زمین پرو را در بر گرفته و مناطق بزرگی از آن کشور را به مناطق پایگاهی خود مبدل نموده است .

نیروهای انقلابی بسیاری در جهان – منجمله حزب ما – جنگ ظفرنمون خلق در پرو را بعنوان نمونه عملی موجود مسیر آتی مبارزات شان نگاه می نمایند از آن می آموزند .

3 – وقتی باند خروشچف سوسیالیزم را در شوروی سرنگون نمود و پس از آن چنین سوسیالیستی بدست باند تین هسیائوپینگ از میان رفت و آلبانی نیز راه ارتداد را در پیش گرفت ، برای بسیاری از سازمان ها و احزاب کمونیست جهان ، عدم موجودیت پشتوانه بین المللی دولتی برای دریافت کمک های سیاسی و مادی جهت حفظ مواضع انقلابی و پیشبرد مبارزات شان به يك مسئله آزار دهنده و مشوش کننده مبدل گردید ، جستجو برای کمک خارجی سازمان ها و حتی احزاب نیرومندی را بسوی رقیق ساختن مواضع ایدئولوژیک – سیاسی شان کشاند و آنان را در مسیر انحرافی سوق داد . حزب کمونیست فلپین نمونه یا از این گونه سازمانها و احزاب به شمار می رود . در جنبش چپ کشور ما گروه ها و سازمان های بسیاری در چنین مسیری و مراحل مختلف استحالوی را پیمودند تا اینکه هم اکنون به دعاگوی و ثناخوان ارتجاع اسلامی حاکم مبدل گردیدند .

اما حزب کمونیست پرو تحت رهبري صدر گونزالو ، شجاعانه اصل مائوئیستی " اتکاء بخود " را زنده نگهداشت و آنرا پیگیرانه به مرحله اجرا در آورد . صدرگونزالو رهبري است که حزب کمونیست پرو را از يك حزب کوچک به يك حزب سرتاسری و از يك حزب فاقد توان نظامی و قلمرو به يك حزب دارنده ارتش و نیروی نظامی رزمنده و فعال در سراسر پرو و دارای مناطق پایگاهی وسیع مبدل نموده است ، بدون اینکه حتی يك پول یا يك مرمی کمک از دولت های خارجی دریافت کرده باشد . " اتکاء بخود " درسی است که حزب کمونیست و جنگ خلق تحت رهبري صدر گونزالو موفقانه حل و فصل نموده و به تمامی مائوئیست ها و سایر نیروهای ضد ارتجاعي و ضد امپریالیستی آموزش می دهد . این درسی است عظیم در شرایط امروزی جهان یعنی در شرایط فقدان حتی يك کشور سوسیالیستی در دنیا ، میتوان به جرئت بیان داشت که در نظرنگرفتن جدي و پیگیر این درس ، پرتگاه خطرناکی است بسوی مغاک وابستگی ، انحراف و ارتداد برای تمامی انقلابیون جهان .

4 – مبارزات پرولتاریا و خلق ها ، دنیای نوینی در کشورهای قبلا سوسیالیستی بوجود آوردند . اما با از بین رفتن سوسیالیزم درین کشورها ، آن نمونه ها – ولو موقتا – از میان رفتند و مرتجعین و امپریالیست ها مدعی اند که آنها دیگر به گذشته تعلق دارند . در جهان امروزی که امپریالیست ها و مرتجعین آزادانه به هر طرف جولان می دهند و شعار " مرگ کمونیزم " را سر می دهند ، پرو کشوری است که در آن سیر احیاء کمونیزم موفقانه ادامه دارد . آنجا نه تنها حزب کمونیست و ارتش انقلابی نیرومندی وجود دارند ، بلکه مناطق پایگاهی وسیعی که حاکمیت مناسبات ارتجاعي در آنها از میان رفته و مناسبات انقلابی نوینی شکل گرفته اند نیز بوجود آمده

است . درین مناطق حاکمیت ارتجاع و امپریالیزم از میان رفته و توده ها بسر نوشت شان حاکم گردیده اند . دنیای نوینی که توسط حزب کمونیست پرو و جنگ خلق ، تحت رهبری صدر گونزالو ، در مناطق پایگاهی شکل گرفته ، نه تنها برای انقلابیون جهان امید بخش و نوید دهنده است ، بلکه خارج چشم مرتجعین و امپریالیست ها و دلیل زنده ای از بطلان شعار کاذب " مرگ کمونیزم " آنها است .

5 - ایستادگی صدر گونزالو در درون زندان در دفاع از کمونیزم و انقلاب دارای اهمیت عظیمی است . سخنرانی انقلابی پر شور وی در بیست و چهارم سپتامبر و استواری بی نظیرش در جریان محاکمات ضد انقلابی ، ثبات قدم و بی هراسی یک رهبر کمونیست انقلابی را نشان می دهد ، که گرچه درازی راه و مشکلات راهپیمایی را قبول دارد اما آینده را درخشان و تابناک می بیند و از درون قفس زندان دیدگانش و فکر و ذکرش متوجه آن است و بخود و مشکلات شخص خود نمی اندیشد . این استواری و ثبات قدم موقعی برجستگی خاص می یابد که با برخورد های رهبران شرف باخته و مرتد بلوک شرق سابق مورد مقایسه قرار داده شود و یا حتی در مقابل روحیه باختگی خودی هایی چون آقای " ونو " - که امثال ایشان در کشور ما نیز زیاد اند - قرار داده شود .
 بناء حزب کمونیست افغانستان نه تنها در کارزار فعلی مشتاقانه سهمگیری می نمایند ، بلکه لازم می داند که در آینده ها نیز ضرورت مبارزه برای نجات جان و رهایی صدر گونزالو را زنده نگهدارد .

رفقا و دوستان !

ما در جریان کارزار فعلی می توانیم - و باید - به فعالیت های معینی در دفاع از صدر گونزالو دست بزنیم . این ، کاری بی ربط با وظیفه اساسی مرحله فعلی مبارزاتی ما یعنی " تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق " در افغانستان نمی باشد ، بلك مستقیم و غیر مستقیم با آن مرتبط است و بر آن تأثیرات مثبت می گذارد . یقیناً موقعیکه بتوانیم درفش جنگ خلق در افغانستان را بلند نمائیم آن زمان بیشتر از امروز و پرتوان تر از امروز خواهیم توانست از رهبران مان ، از احزاب و سازمان های برادرمان و رفقا و دوستان ما در سطح بین المللی دفاع نمائیم و متقابلاً دفاع فعالتر و پرتوان تر آنان را شاهد باشیم .

برای نجات جان و رهایی صدر گونزالو مبارزه نمائیم !

انقلاب پرو را فعالانه حمایت کنیم !

مبارزه برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق در افغانستان را

ادامه دهیم !

دفتر سیاسی حزب کمونیست افغانستان

اول جدي 1371

حزب کمونیست پرو

حزب کمونیست پرو در سال 1928 توسط "خوزه ماریاتگی" براساس مارکسیزم - لنینیسم بنیان گذاری گردید. "ماریاتگی" از طریق تطبیق مارکسیزم - لنینیسم با شرایط مشخص پرو مشی سیاسی برای انقلاب پرو را تدوین نمود. حزب کمونیست پرو در زمان حیات "ماریاتگی" به عضویت انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) درآمد. اما "ماریاتگی" عمر کوتاهی داشت و در سال 1930 به سن 35 سالگی چشم از جهان پوشید. پس از مرگ وی، حزب کمونیست پرو مواضع انقلابی اش را که اساس برنامه حزب را می ساخت ترک گفت و در مسیر انحراف و ارتداد در غلطید.

در اوایل سال های 1960، تحت تاثیر پلمیک های مائوتسه دون و حزب کمونیست چین غلبه رویونیوزم روسی، کمونیست های انقلابی در داخل حزب کمونیست پرو، با موضعگیری علیه رویونیوزم مسلط بر حزب، در فراکسیون سرخ گردآمدند. منطقه روستایی آباکوچیو را باید زادگاه فراکسیون سرخ دانست. کمیته ولایتی حزب کمونیست پرو در آباکوچیوتحت رهبری رفیق گونزالو - صدر فعلی حزب - قرار داشت و از سال 60 کار در میان دهقانان را آغاز کرده بود. مبارزات فراکسیون سرخ علیه رویونیوزم مسلط بر حزب باعث گردید که در سال 1964 رهبری رویونیوست حزب کنار زده شود. این کار سرآغازی بود برای بازسازی حزب که مدت پانزده سال یعنی تا سال 1979 دوام نمود. در طول این مدت حزب کمونیست پرو براساس مارکسیزم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون (حزب در آن زمان مائونیوزم را اندیشه مائوتسه دون می گفت) با زسازی شده و تمام مواضعی که در مخالفت با اندیشه مائوتسه دون (مائونیوزم) قرار داشتند، طرد گشتند. این بازسازی که دستیابی به یک حزب طراز نوین پرولتری را برای کمونیست های پرویی ممکن گردانید، امر تعیین کننده ای بود برای آغاز و پیشبرد جنگ خلق در پرو.

در آخرین سالهای دوره بازسازی، ساختمان تشکیلاتی حزب در سطح سراسری نوسازی گردید. قبلا حزب به کمیته ها و تشکیلات ولایتی تقسیم شده بود. اما مطالعه تاریخ مبارزات طبقاتی و شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی پرو نشان داد که باید بجای تقسیمات قبلی، کمیته ها و تشکیلات منطقوی بوجود آید. ساختمان تشکیلات حزب براساس تقسیمات منطقوی در سال 1977 پایه ریزی شده و همزمان با آن جریان "گسست بزرگ" آغاز گردید. اعضای و کادرهای حزب کمونیست پرو که در ابتدا اکثرا از خرده بورژوازی شهری تشکیل یافته بودند، خانواده ها و محل های زندگی شان را در شهرها ترک گفته و به روستاها رفتند تا فعالیت تدارکی برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق را در میان دهقانان فقیر سازماندهی نمایند. این کار بر مبنای تکیه بر نیروی محرکه مبارزه طبقاتی در روستا یعنی مسئله زمین، با بکار بستن سه "بسا" (زندگی با دهقانان فقیر، مبارزه شان به شان با دهقانان فقیر و کار با دهقانان فقیر) پیش برده شد. همچنان در شهرها کار در میان کارگران پیش می رفت. دریک کلام حزب از طریق تشکلات توده ای که در میان دهقانان فقیر، کارگران، زنان، روشنفکران و جوانان بنا نهاد، بحث های ایدئولوژیک - سیاسی دوران تدارک برای برپایی جنگ خلق و در میان توده ها برد و آنها را برای درک ضرورت جنگ خلق یاری رساند.

برگذاری نهمین پولینوم کمیته مرکزی حزب در جون 1979 با روشن ساختن طرح کلی استراتژی جنگ خلق و تشکیل کنفرانس سراسری حزب در نوامبر 1979 که مسایل مربوط به تدارک برای جنگ خلق را مشخص ساخت، دوره پانزده ساله بازسازی حزب کمونیست پرو را

پایان بخشید. با وجودیکه درین زمان جنگ خلق به استراتیژی مبارزاتی حزب بدل گشته بود و تمامی فعالیت های ایدئولوژیک - سیاسی و نظامی تدارکی در جهت تطبیق و اجرای این استراتیژی پیش می رفت، یک خط اپورتونیستی راست در مورد چگونگی و زمان آغاز جنگ، در حزب سربلند نمود. این خطر مطرح می کرد که هنوز شرایط برای آغاز جنگ مساعد نیست و اگر به این کار مبادرت نمود، حزب آنچنان ضربات سختی خواهد خورد که تا چند نسل دیگر قادر نخواهد بود سربلند نماید. خط اپورتونیستی راست شکست خورد و نیمی از اعضای کمیته مرکزی حزب تصفیه گردید.

به تعقیب کنفرانس سراسری حزب و بمنظور آغاز جنگ، یک مدرسه نظامی در اپریل سال 1980 توسط حزب ایجادگردید تا اعضای حزب را درمورد مسئله قهرانقلابی، جنگ خلق، تاریخ پرو و مبارزات توده ها آموزش دهد.

در ماه مه 1980 جنگ خلق در پرو با سوختاندن صندوق های رای در کوشکی آغازگردید. به تعقیب آن بلافاصله عملیات نظامی روستائی از قبیل ویران کردن مزرعه، "آیرامبایا" که در آن صد ها تن از توده ها بسیج شده و خانه مالک را ویران کردند و خوداورا از زمین رانده و زمین را تقسیم نمودند، و نیز عملیات نظامی معینی در بعضی از شهرها - منجمله لیما مرکز کشور - براه افتاد که فعالیت های نظامی روستایی از عمدگی برخوردار بوده و فعالیت های نظامی شهری به صورت کمی پیش می رفت.

در مرحله تطبیق " نقشه برای آغاز جنگ " که از ماه مه تا دسامبر 1980 را در بر گرفت، جمعا بیشتر از 1200 عملیات توسط گروپ های نظامی ایکه از طریق ترکیب اعضاء حزب و توده ها بوجود آمده بودند، انجام یافت.

پس از مرحله فوق، مرحله تطبیق " نقشه برای رشد جنگ " فرارسید. اولین کارزار این مرحله عبارت بود از کارزار " اسلحه و مهمات بدست آورید ". این کارزار از طریق عملیات مصادره پیش برده شد. یکی از عملیات مهم این کارزار حمله به مرکز پولیس لوریکوچا در شهر هوانتتای ولایت آیا کوچیو بود که توسط سلاح های چوبی انجام یافت. چریک ها با سلاح های چوبی به مرکز پولیس حمله کرده و با خلع سلاح کردن پولیس ها سلاح های واقعی بدست آوردند.

مرحله تطبیق " نقشه برای رشد جنگ "، مجموعا بیشتر از 5300 عملیات مختلف را در بر گرفت و از جنوری 81 تا جنوری 83 ادامه یافت. در این مرحله مناطق چریکی بوجود آمدند و قدرت سیاسی نوین خلق در وجود کمیته های خلق (بصورت نیمه مخفی) شکل گرفت.

پس از آن، مرحله تطبیق " نقشه برای کسب مناطق پایگاهی " آغاز گردید. این نقشه توسط جلسه وسیع کمیته مرکزی - از جنوری تا مارچ 83 - به تصویب رسید. جلسه در بحبوحه مبارزه دوخط پیش رفت. دیدگاه راست روانه ای که می گفت درست نیست که مناطق پایگاهی بسازیم، در این موقع در حزب وجود داشت. این دیدگاه استدلال می کرد که مائو به مأمورته است که برای داشتن مناطق پایگاهی باید اول شکست های مهمی بردشمن تحمیل کنیم، در حالیکه ما تاحال فقط با پولیس جنگیده ایم و هنوز وارد نبرد رویارویی با نیروی های نظامی و اردوی دشمن نشده ایم. اما از آن جایی که در طی تقریبا سه سال جنگ خلق در مناطق وسیعی از روستاها، با شکست قوای پولیس و فرار فیودال ها به مراکز شهرها، خلای قدرت سیاسی درون مناطق بوجود آمده بود، حزب نمی توانست از برقراری قدرت سیاسی نوین و ایجاد مناطق پایگاهی انقلابی - البته منطبق به اوضاع و احوال خاص پرو - صرف نظر نماید. مواضع راست روانه درون حزب مغلوب شده و برسر تطبیق " نقشه برای کسب مناطق پایگاهی " توافق عمومی حاصل گشت.

" نقشه برای کسب مناطق پایگاهی " زمینه را برای ایجاد " ارتش چریکی خلق " مساعد گرداند تا این زمان گروه های نظامی فقط از چریک ها تشکیل گردیده بودند و در مقابل پولیس می جنگیدند. اماوقتی حکومت پرو در دسامبر 82 ، با وجود آمدن دورنمای قدرت نوین سیاسی ، تصمیم گرفت اردوی دولتی را به میدان جنگ بفرستد ، برای حزب کمونیست پرو نیز الزامی گردید که ارتش خود را بسازد . " ارتش چریکی خلق " که از سه بخش تشکیل گردید : 1 / نیروهای عمده ای که ماموریت شان انجام عملیات در یک منطقه عملیاتی وسیع است ؛ 2 / نیروهای محلی که شعاع عملیاتی محدودتری دارند و 3 / نیروهای پایه ای یعنی ملیشیا ها که شعاع عملیاتی بازهم محدودتری دارند . " ارتش چریکی خلق " در مبارزه علیه نظرات راست روانه که مخالف ادغام ملیشیا در ارتش چریکی بود ، بوجود آمد . طرفداران این نظر میگفتند که ادغام ملیشیا در ارتش چریکی باعث نابودی ملیشیا خواهد شد . این نقطه نظر متکی بود بر عدم اعتماد به توده ها ، ارزش دادن بیش از حد به نیروهای نظامی و ترس . این خط در هم شکسته شد و آنهایی که این نظر را داشتند از خود انتقاد کردند . در نتیجه حزب تصمیم گرفت " ارتش چریکی خلق " را بوجود آورد . مرحله تطبیق " نقشه برای کسب مناطق پایگاهی " از ماه می 83 تا سپتامبر 86 دوام نمود و جمعا بیشتر از 28600 عملیات را در برگرفت . تطبیق " نقشه برای کسب مناطق پایگاهی " حزب کمونیست پرو را از " ارتش چریکی خلق " ، مناطق پایگاهی و یک سیستم کاملی از مناطق چریکی ، مناطق عملیاتی و نقاط عملیاتی برخوردار گردانید . در همین مرحله بود که شورش زندانیان در زندان های مختلف پرو بوقوع پیوست و رژیم را از لحاظ سیاسی سخت بی آبرو و بی حیثیت ساخت . همچنان در همین مرحله بود که حزب کمونیست پرو در تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی با شرکت در دومین کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان های م . ل . ا . سهم گرفت و از آن پس به حیث یکی از اعضای این جنبش به فعالیت ادامه داد . حزب کمونیست پرو اولین عضو " جا " است که به جای اصطلاح " اندیشه مائوتسه دون " اصطلاح " مائوتیزم " را بکار برد .

دوره تطبیق " نقشه برای گسترش مناطق پایگاهی " که از دسامبر 86 شروع شده و تا ماه می 89 ادامه یافت ، جمعا بیشتر از 63000 عملیات را در برگرفت . حزب کمونیست پرو در ماه های آخر این دوره قادر گشت کنگره خود را دایر نماید که دایر شدن آن استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب را کیفیت تازه و نوینی بخشید .

جنگ خلق در پرو ، در طول نه سال فعالیت - از ماه می 80 تا ماه می 89 - با بانجام رساندن تقریبا یکصد هزار عملیات ، با موفقیت های شایان توجهی کسب نمود و پس از آن وارد مرحله " نقشه بزرگ برای گسترش مناطق پایگاهی و کسب قدرت " گردید . این جنگ در طول دو سال گذشته باز هم موفقیت های چشم گیری بدست آورده است .

اکنون در مناطق وسیعی از دره ها و کوه پایه های " آند " ارتجاع سرنگون گردیده انقلاب ارضی پیش برده شده و دولت دموکراتیک نوین ایجاد گردیده است . به همین جهت است که جنگ خلق در پرو زمینه چینی می نمایند . حزب کمونیست پرو برای مقابله آمادگی دارد . اگر امپریالیست ها به تجاوز و لشکر کشی دست بزنند ، در دریای جنگ خلق غرق خواهند شد و لذت پیروزی سریع در جنگ خلیج را از یاد خواهند برد .

صدرگونزالو رهبر حزب کمونیست پرو

ترجمه از :

شماره ویژه " کارگر انقلابی " نشریه
حزب کمونیست انقلابی آمریکا

در سراسر پرو از طرف شب گروپ هایی از فعالیت حزبی با سطل های از رنگ بیرون می روند. در صبح ، کلماتی همچون " زنده باد گونزالو " در پهلوی شعار های دیگر مائوئیستی در هر کجا ، بر سر مقر سوخته پولیس در دهات دهقانی ، بر تانک های بزرگ آب زاغه نشین شهر لیما ، بچشم می خورد . در عین حال ، روزنامه های که به زر و زورمندان خدمت می کند ، بر چسب های را از قبیل " قهرمان شیطنت در جنگ های چریکی (متفکر تشنه بخون تروریست راه درخشان) " را بر گونزالو می زنند . فوجیموری ، رهبر فرسوده دولت پرو ، گونزالو را یک " هیولا " نامید.

پس کیست این شخص محترم برای مردم انقلابی پرو ، اما ، منفور برای طبقه مسلط حاکمه ؟

فرزند مبارزه طبقاتی :

صدر گونزالو (ایمل گوسما داینوسا) در 3 دسامبر 1934 در " آریوکیابا " در یکی از مناطق جنوبی پرو تولیدیافت . زمانیکه ایمل کوسمان نوجوان بود ، دهقانان شورش نمودند. گونزالو در مصاحبه " 1988 " خود می گوید : " من با علاقه ابراز می دارم ؛ چیزیکه بیشترین تاثیر را بر من در قدم گذاشتن به میدان سیاست داشت ، همانا مبارزه دهقانان بوده است . من روح مبارزه جویی را در جریان خیزش توده ای آریوکیابا در " 1950 " مشاهده نمودم - که چگونه توده ها با خشم بی پایان درواکنش به قتل وحشیانه جوانان جنگیدند . همچنان من دیدم که آنها (توده ها) چگونه با ارتش جنگیده و آنانرا به عقب نشینی در قشله ها (سربازخانه ها) می نمودند . و چگونه نیروهای از سایر مناطق بمنظور پامال نمودن توده ها آورده می شد ازینرو ، من مانند هر کمونیست دیگر ایمان دارم که من فرزندی از مبارزه طبقاتی و از حزب هستم " .

گونزالو در مدرسه ثانویه کاتولیک یک مبارز فعال و در دانشگاه در دوران مطالعه حقوق و فلسفه یک کمونیست شد . وی با یک سفر در مناطق کوهستانی آیاکوچو عمیقا در بین توده ها رفت . این زندگی او را تغییر داد . او می گوید " توده ها و مردم به گونه های متفاوت ما را تغییر می دهند آیاکوچو مرا کم کرد که توده ها را کشف کنم . همچنان ، من در آنجا شروع به شناخت از مائوتسه دون نمودم " .

در اوایل 1960 ، گونزالو " آیاکوچو " را مرکز فعالیت خود قرار داد . او همچنان وظیفه ای را من حیث استاد فلسفه در یکی از دانشگاه های کوچک محلی آنجا بدست آورد که تعداد زیادی از جوانان دهقان را جلب نمود . جمعی از دهقانان و جوانان انقلابی برای شنوایی بحث های سیاسی و انقلابی وی در تالار سخنرانی گرد می آمدند . او توانایی تحلیل موضوعات بی نهایت پیچیده را داشت ، طوریکه مردم عوام می توانستند بوضاحت تشخیص دهند که کدامین راه آنها را به آزادی رهنمون می شود .

مبارزه برای تشکیل يك حزب کمونیست انقلابی

از دوران پیوستن گونزالوبه حزب کمونیست، وی برضدانواع تئوری های اپورتونیستی (کمونیست های دروغین) مبارزه نمود. در اواخر 1950 و اوایل 1960 رهبری حزب کمونیست پروفاسد گردید. آنها با انقلاب مخالفت می کردند برای معامله گری بابخشهای از طبقه حاکمه و نظامی کارمیکردند و این خائنین خود را با کمونیست های قلابی حاکم اتحاد شوروی متحد می ساختند. در عین حال استراتژی های متفاوت برای تاثیر گذاری در میان قشر جوان انقلابی مبارزه می نمود. بعضی ها می خواستند به اصطلاح از " راه کوبایی " تقلید کنند. ایشان باور داشتند که دسته های شجاع چریکی برافتدگی دولت را از دژ های نظامی کوهستانی دور افتاده می توانند با ماشه تفنگ های شان تامین کنند. یعنی بدون بحرکت آوری توده ها تحت رهبری پیشنهاد حزب کمونیست برای يك انقلاب سرتاسری اجتماعی، دیگران می گفتند: آمادگی گرفتن برای جنگ انقلابی (توده ای طولانی - م) دیوانگیست و آنها می گفتند، انقلاب باید بزیر انداخته شود و مطالعه گردد.

در اوایل 1960، صدر گونزالو فراکسیون سرخ را تشکیل داد. وی در مصاحبه خود با آل دیاریو یاد آوری می نماید.

" فراکسیون زمانی آغاز شد که مسئله چگونگی پیشبرد انقلاب در پرو مطرح گردید. این موضوع با کار های مائوتسه دون که در آن دوران تازه به کشور ما راه پیدا نموده بود، مرتبط گشت. ما بر کدام بحث تکیه (تمرکز) می کنیم؟ این موضوع را پیش گذاشتیم که انقلاب در پرو نیازمند يك حزب با اساسات ایدئولوژیک و سیاسی مستحکم ایست که دهقانان نیروی عمده جامعه در حالیکه پرولتاریا طبقه رهبری کننده است و راهی را که می پیمائیم همانا محاصره شهر ها را طریق دهات می باشد ".
از آن زمان به بعد نام گونزالو با تاریخ جنگ خلق در پرو گره خورده است.

مبارزه برای تدارك جنگ خلق

صدر گونزالو، مبارزه برای بازسازی " ح . ك . پ " را بر اساس م . ل . م هدایت نمود. و او پیشاهنگان انقلابی را در مبارزات دشوار بر پای مبارزه مسلحانه انقلابی برای تصرف قدرت رهبری کرد.

صدر گونزالو دوبار در نیمه انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی که توسط صدر مائوتسه دون رهبری می شد، به چین ایکه هنوز يك کشور سوسیالیستی اصیل بود، مسافرت نمود. صدر گونزالو می گوید: " من در چین در مکتبی بودم که آنها سیاست، فلسفه مارکسیستی و مسایل بین المللی و ... تدریس می شد، آرزودارم که اکثریت بدان دست یابند. می توانم بیاد بیاورم که آموزگار ما مسائلی را راجع به کارهای پنهانی و آشکار به ما می آموخت و بعدا آنها ما را راجع به مسایل نظامی آموزش می داد. مگر در این عرصه آنها اولاً با مسایل سیاسی شروع می کردند، جنگ خلق، سپس پیشبرد مبارزه مسلحانه استراتژی و تاکتیک و بعدا کارهای عملی که متناسب با این بخشها بود از قبیل کمین، حمله، مانور نظامی، در عین حال چگونگی تمرکز قوای ضربتی در يك نقطه ". گونزالو بخاطر می آورد که معلمش می گفت: " بیاد داشته باشید که توده ها نیروی لایزال اند، آنها ابتکار خستگی ناپذیر دارند. آنچه که برای شما آموختم، توده ها خواهند کرد، ما و شما را برای همیشه خواهند آموخت ".

دراواخر 1970 ، ضد انقلابيون قدرت را بعد از مرگ مائو در چين غصب نمودند . صدر گونزالو به آموزش هاي صدر مائو صادق باقي ماند . و کمونيست هاي پرويي را به فهماندن و مخالفت کردن با کودتاي ضد انقلابي در چين هدايت نمود .

وقتي که کمونيست هاي پرويي سگ مردم ايرا در جلو سفارت چين در ليما آویزان مي نمود در حقيقت اين يك پيام سياسي بود که سراسر جهان مي شنيد .

ح . ك . پ بعدا با ساير مائونيست ها در تاسيس " جا ا " که کمونيست هاي اصیل سراسر جهان را دور هم جمع نموده بود ، يکجا گشت .

در جريان تدارك سال هاي 1970 ، نفوذ ح . ك . پ پيوند دادن مبارزات توده اي آشکار و مخفي عميقا در بين توده ها مستحکم گرديد . مراکز حزب در ليسه ها و دردهات تشکيل گرديدند و مکاتب آموزشي مخفي حزب ، فعالين حزب را منحيث کادرهاي ورزيده و جان به کف تربيه مي نمود . در سال 1975 صدر گونزالو جهت برپايي جنگ خلق به نهانگاه رفت .

آغاز شجاعانه جنگ خلق

در سراسر تداوم مبارزه درون حزبي ، که بنام " مبارزه دو خط " مسماست ، صدر گونزالو اعضاي حزب را براي وقف نمودن جان هاي شان در جنگ خلق رهبري نمود . صدر گونزالو مکاتب نظامي ايرا براي تربيت اعضاي حزب به هنر جنگ بر پا داشت . بالاخره ، جنگ خلق مائونيستي در 17 مه 1980 با يك حمله چريکي بر مرکز فرماندهي انتخاباتي آغاز شد .

اين ، صدر گونزالو بود که تشکيل ارتش چريکي خلق را در 1983 رهبري نمود . اين او بود که حزب را در تمام روزهاي دشوار 1983-1984 ، که دولت مي کوشيد انقلاب را خفه کند ، رهبري نمود . وي در مواجهه با قتل عام ناگهاني در آياکوچو ، استراتيژي گسترش انقلاب در ساير نقاط پرو را طرح ريزي نمود . وي تاسيس کميته هاي جديد مردمی را در سالهاي اخير براي تسلط بر مناطق پايدگهي آزاد شده از نيروهاي کهنه دولتي ، رهبري نموده است .

دورنماي رهبري

مبارزه انقلابي طبقه کارگر ، ابيمل گوسمن را به يك رهبر و متفکر برجسته کمونيست تبديل نمود . در مقابل ، او انقلاب پرو را با ايده ها و اعمالش شکل داد تاکنون ، در مرحله از پروسه انقلاب پرو ، صدر گونزالو تعيين کننده بوده است .

مردم انقلابي پرو ، گفته اي دارند مشهور : " صدر گونزالو ضمانت پيروزي در سراسر راه به کمونيزم مي باشد " . آيا اين قابل تعجب است که تمام ستمگران او را " دشمن شماره يك " قلمداد مي کنند .

مائوتسه دون گفته بود که هر زمانیکه دشمن انقلابيون را کاملا بدوعاري از هرگونه صفات خوب رنگ آميزي کند ، دلالت بر آن دارد که ايشان موفقيت بزرگ را در کار شان بدست آورده است . با اين معيار مائونيستي ، صدر گونزالو به اين موفقيت شايان نایل آمده است . مگر اين فقط آغاز کار زندگي ، اين رهبر انقلابي است ! رهبري با اين صفات ممیزه و توانايي داشتن حل مسايل خيلي نادر ، گرانبها و گراميست و جاي اينگونه رهبران به آساني پرشدني نيست ! صدر گونزالو وظايف زيادي دارد که انجام دهد ! و او را در جاگاهش در صف مقدم رهبري کردن در راه پريپچ و خم انقلاب مي خواهيم !

گزیده های از سخنان صدر گونزالو

مصاحبه با روزنامه " آل دیاریو " چاپ لیما

اهداف :

....
آل دیاریو : صدر گونزالو ، آیا حساب نتایج احتمالی این مصاحبه را کرده اید ؟ بگذارید اینطور بپرسم ، آیا خطری دراینکه درحال حاضر علنا به صحبت پردازید نمی بینید ؟
صدر گونزالو : اگر کمونیست هستیم از هیچ چیز نباید بترسیم . بعلاوه حزب ما آنقدر مستحکم شده که حتی به مصاف مرگ بشتابد ؛ آنقدر که ما جانمان را برکف می گیریم تا هرزمان که انقلاب طلب کند آنرا نثارش بسازیم . ما معتقدیم که این مصاحبه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است . درخدمت حزب ما ست ، درخدمت انقلاب است ، در خدمت خلق ما و طبقه ماست ، و - چرا که نه - در خدمت پرولتاریای بین المللی ، خلق های جهان و انقلاب جهانی است . بنابراین هر خطری هم که در میان باشد را هیچ می انگاریم . تکرار می کنم ، خصوصا با توجه به استحکامی که حزب ما بدان دست یافته است .

اول - مسایل ایدئولوژیک :

آل دیاریو : صدر گونزالو ، بگذارید در مورد یکی از مبانی ایدئولوژیک حزب کمونیست پرو یعنی مائوئیسم صحبت کنم . چرا مائوئیسم را مرحله سوم مارکسیزم می دانید ؟
صدر گونزالو : این نکته ای حیاتی است که نتایجی عظیم در پی دارد . برای ما ، مارکسیزم یک پروسه تکاملی است . این پروسه عظیم ، ما را بیک مرحله جدید ، سومین و عالیترین مرحله صحبت می کنیم ؟ زیرا سنجش سه جز متشکله مارکسیزم بوضوح آشکار می سازد که صدر مائوتسه دون هر یک از این سه را تکامل داده است . بگذارید یک بیک جلو برویم : در زمینه فلسفه مارکسیستی هیچکس نمی تواند خدمت عظیم وی به تکامل دیالکتیک را نفی کند ؛ او کانون توجه را بر قانون تضاد قرار داد و اثبات کرد که تنها قانون اساسی است . در عرصه اقتصاد سیاسی ، کافیسیت بر دو نکته پرتو افکنیم . اولی که برای ما از اهمیت بلافصل و مشخص برخوردار است ، سرمایه داری بوروکراتیک است . ودومی ، تکامل اقتصاد سیاسی سوسیالیزم . بطور کلی می توانیم بگوئیم ، این مائو بود که واقعا اقتصاد سیاسی سوسیالیزم را تدوین کرد و تکامل داد . در زمینه سوسیالیزم علمی ، کافیسیت به جنگ خلق اشاره کنم . پرولتاریای بین المللی با صدر مائوتسه دون بود که به یک تئوری کاملا ، مدون و گسترده نظامی دست یافت و بدین طریق طبقه ما ، پرولتاریا ، صاحب یک تئوری نظامی شد که در همه جا قابل بکار بستن است . ما معتقدیم که این سه مسئله نشانگر یک تکامل با خصلت جهانشمول است . از این دیدگاه ، ما بایک مرحله جدید روبروئیم . آنرا مرحله سوم می نامیم چون مارکسیزم دومرحله که با مارکس و لنین مشخص می شود را قبلا پشت سر گذاشته است . به همین خاطر است که از مارکسیزم - لنینیسم صحبت می کنیم . مائوئیسم عالیترین مرحله است چون ایدئولوژی پرولتاریای جهانی از این طریق به عالیترین تکامل تاکنونی خود ، به رفیع ترین قله اش ، دست یافته است . البته با این درک که مارکسیزم - معذرت می خواهم اگر تکرار می کنم - یک وحدت اضداد دیالکتیکی است که از طریق جهش های عظیم تکامل

می یابد. و همین جهش ها است که مراحل را به ظهور می رساند. بنابراین ما، امروز در جهان، مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم و بویژه مائوئیسم را داریم. بنظر ما امروز برای کمونیست بودن، باید مارکسیست - لنینیست - مائوئیست و بویژه مائوئیست بود. در غیر این صورت، نمی توانیم کمونیست راستین باشیم.

مایلم بر اوضاعی تاکید کنم که بندرت بدان توجه شده، اما امروز مسلماً شایسته بررسی دقیق است. منظورم تکاملی است که مائوتسه دون در ترزهای عظیم لنین در باره امپریالیسم داده است. این امر در شرایط کنونی و در مرحله ای تاریخی که در حال شکل گیری است، از اهمیت بزرگی برخوردار است. اگر بخواهیم صرفاً فهرست وار به این خدمات اشاره کنیم، باید بگوئیم: مائو با بیان اینکه امپریالیسم تازمانی که نابودیش فرا رسد بارها توطئه می چیند و بارها شکست می خورد، یک قانونمندی را کشف کرده است. بعلاوه مائو دوره ای بیسابقه را در پروسه تکاملی امپریالیسم با عبارات " 50 تا 100 سال آینده " مشخص کرده که طی آن، بر مبنای درک ما، امپریالیسم و ارتجاع را از صحنه گیتی پاک خواهیم کرد. مائوتسه دون به نکته دیگری هم اشاره کرده که امروز بیش از هر زمان باید آنرا مد نظر داشت. او گفت که: دوره ای از مبارزه بین امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی آغاز گشته است " ضمناً، همه ما از نظریه استراتژی یک کبیر وی آگاهییم که " امپریالیسم و تمامی مرتجعین، بیرهای کاغذی هستند " این نظریه از اهمیتی عظیم برخوردار است و باید به خاطر بیاوریم که صدر مائو آنرا در مورد امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بکار بست. و هیچ دلیلی وجود ندارد که ما از این دوهراس به دل راه دهیم. اما این را هم باید در نظر داشته باشیم که مائو چگونه به تکامل جنگ می نگریست و این کار را با پیروی دقیق از آنچه لنین در باره عصر جنگ های برپاشده در سطح جهان گفته بود، انجام می داد. صدر مائو بما آموخت که یک کشور، یک ملت، یک خلق، هر قدر هم که کوچک باشد، می تواند قوی ترین استثمار و سلطه جوی کره ارض را شکست دهد. در صورتیکه جرئت کند و سلاح بردارد. بعلاوه، اوبه ما چگونگی فهم پروسه جنگ را آموخت و اینکه هیچگاه تسلیم باج گیری هسته ای نشویم. بعقیده من اینها برخی نکات است که برای فهم چگونگی تکامل ترزهای کبیر لنین در باره امپریالیسم توسط مائوتسه دون، باید در خاطر داشته باشیم. چرا که در این مورد اصرار می کنیم؟ زیرا می دانیم، همانقدر که خدمات لنین مبتنی بر کار عظیم مارکس بود، تکاملات انجام شده توسط مائو تسه دون نیز بر پایه کار عظیم مارکس و لنین، بر مبنای مارکسیزم- لنینیسم صورت گرفت. بدون فهم مارکسیزم - لنینیسم، نمی توان مائوئیسم را فهمید. به عقیده ما، امروز اینها حائز اهمیت بسیار است. برای ما فهم مائوئیسم در تئوری و پراتیک بمثابة مرحله سوم، جدید و عالیتر امری تعیین کننده است.

دوم - درباره حزب :

....

آل دیاریو : کارگران و دهقانان در ارتش چریکی خلق شرکت می کنند؟
صدر گونزالو : دهقانان، بویژه دهقانان فقیر / در سطوح گوناگون بعنوان جنگجو در فرمانده شرکت کنندگان عمده ارتش چریکی خلق هستند. کارگران نیز بهمین ترتیب، هر چند که درصد کارگران در حال ناکافیست.

آل دیاریو : صدر گونزالو ، بیشترین جایی که قدرت نوین رشد کرده کجاست ؟ روستا یا شهر ؟
صدر گونزالو : ما قدرت نوین را فقط در مناطق روستایی ایجاد کرده ایم . در شهر ها این قدرت
 طی مرحله نهایی انقلاب ایجاد خواهد شد . این مسئله بستگی به پروسه جنگ خلق دارد . فکر می
 کنم به هنگام تجزیه و تحلیل جنگ خلق می توانیم به این مسئله کمی بیشتر بپردازیم .
آل دیاریو : بگذارید موضوع را کمی عوض کنیم . اسناد حزب کمونیست پروشما را بعنوان رهبر
 حزب و انقلاب معین نموده است . معنای عملی این امر چیست و چرا با تئوری رویزیونیستی کیش
 شخصیت فرق می کند ؟

صدر گونزالو : در این زمینه باید چگونگی نگرش لنین به توده ها ، طبقات ، حزب و رهبران را
 بخاطر آوریم . بعقیده ما ، انقلاب ، حزب و طبقه ما ، رهبران - گروهی از رهبران - را می
 آفرینند . در هر انقلابی چنین است . مثلاً انقلاب اکتبر را در نظر بگیرید . در آن انقلاب ، لنین و
 استالین و سوردلف و چند تن دیگر - یک گروه کوچک - را داشتیم . به همین ترتیب در انقلاب
 چین نیز با یک گروه کوچک از رهبران روبروئیم . صدر مائوتسه دون و رفقاییش کان شن ، جیان
 چین ، جان چون ، چیانو و دیگران . در همه انقلابات ، منجمله انقلاب ما ، اینگونه است . نمی
 توانیم مستثنی باشیم . اینجا نمی توان این بحث را پیش کشید که هر قاعده را استثنایی است . چون
 داریم در مورد قوانین معینی که در کار است صحبت می کنیم . همه این پروسه ها را رهبرانی
 بوده ، اما در همه آنها ما یک رهبر را می یابیم که برطبق شرایط ، بالاتر از سایرین قرار گرفته و
 آنها را رهبری کرده است . همه رهبران را نمی توان دقیقاً عین هم در نظر گرفت . مارکس ،
 مارکس است . لنین ، لنین . و صدر مائو ، صدر مائو است . هر یک از اینها منحصر بفرد است
 و سایرین هم صرفاً تکرار اینها نخواهند بود .

در حزب و انقلاب و جنگ خلق ما ، پرولتاریا بواسطه آمیخته ای از ضرورت و تصادف تاریخی
 یک گروهی رهبری را به ظهور رساند . بعقیده انگلس ، ضرورت است که رهبران و یک رهبر
 اصلی را می آفریند . اما اینکه اینها چه کسانی باشند را تصادف تعیین می کند که این امر بواسطه
 مجموعه ای از شرایط که در یک زمان و مکان خاص بهم پیوسته اند ، صورت می گیرد . بدین
 سبب ، در مورد ما نیز یک رهبری شکل گرفت . این امر نخستین بار در کنفرانس سراسری وسیع
 حزب بسال 1979 برسمیت شناخته شد . اما این مسئله حاوی مسئله پایه ای دیگری است که نباید
 نادیده گرفته شود و محتاج تأکید است . : هیچ رهبریتی - مهم نیست در چه سطحی از تکامل باشد -
 نیست که بزرگ ساختار منسجم اندیشه متکی نباشد . همانطور که در قطعنامه ها آمده ، دلیل اینکه
 یک فرد معین به عنوان رهبر حزب و انقلاب مشخص می شود با ضرورت و تصادف تاریخی
 بستگی دارد ؛ و در مورد ما خیلی روشن مربوط است به اندیشه گونزالو . هیچکدام از ما از قبل به
 نقشی که انقلاب و حزب به عهده مان می گذارد آگاه نیستیم ؛ و هنگامی که وظیفه ای مشخص در
 برابر مان قرار گرفت فقط باید این مسئولیت را تقبل کنیم .

مطبق دیدگاه لنین عمل کرده ایم که دیدگاه صحیحی است . کیش شخصیت یک فرمولبندی
 رویزیونیستی است . لنین در مورد مشکل نفی رهبری بامهشدار داد و در عین حال بر نیاز طبقه ما و
 حزب و انقلاب به تکوین رهبران خودش ، و علاوه بر آن بر تکوین رهبران اصلی و یک رهبریت
 تأکید گذاشت . اینجا تفاوتی وجود دارد که شایسته تأکید است . یک رهبر کسی است که مقام معینی
 را اشغال می کند؛ در حالیکه یک رهبر طراز اول و رهبریت ، بنا به درک ما ، نشانه شناسایی رسمی
 حزب اتوریته انقلابی است که در جریان مبارزه دشوار حاصل شده و محک خورده است . اینها

کسانی هستند که در تئوری و پراتیک قابلیت خود در رهبری و هدایت ما بسوی پیروزی و دست یابی به آرمان های طبقه ما را به اثبات رسانده اند .

خروشچف برای ضدیت با رفیق استالین بحث کیش شخصیت را پیش کشید . ولی همان طور که می دانیم این بهانه ای برای حمله به دیکتاتوری پرولتاریا بود . امروز گرباچف بار دیگر این موضوع را به میان آورده ، یعنی همان کاری که زمانی رویونیست های چینی - لیوشائوچی و دن سیائوپین - کردند . پس این يك تز رویونیستی است که در جوهر خود علیه دیکتاتوری پرولتاریا و رهبری و رهبران روند انقلابی موضع گرفته تا بتوان سر انقلاب را از تنش جدا کند . در مورد مشخص ما هدف اینست که جنگ خلق را از رهبریتش محروم کنند . ما هنوز دیکتاتوری پرولتاریا نداریم ، ولی قدرت نوین را داریم که طبق معیارهای دموکراسی نوین ، یعنی دیکتاتوری مشترک کارگران ، دهقانان و ترقی خواهان ، تکامل می یابد . آنها می خواهند این روند را بی رهبر کنند . مرتجعین و خادمان آنها خیلی خوب بکار خود واقفند . آنها می دانند که بوجود آوردن رهبران انقلابی و رهبری انقلابی کار ساده ای نیست . جنگ خلق ، نظیر جنگی است که در کشور ما جریان دارد ، به رهبران و رهبریت انقلابی نیاز دارد ، به کسی نیاز دارد که انقلاب را نمایندگی کرده و در راس آن قرار بگیرد ، به گروهی که قادر باشند با سازش ناپذیری انقلاب را هدایت کنند . خلاصه آنکه ، کیش شخصیت يك فرمولبندي پلید رویونیستی است که هیچ قرابتی با درك ما از رهبری انقلابی - درکی که مطابق با لنینیزم - است ندارد .

ال دیاریو : فکر می کنید که زندان ها در روز 19 ژوئن 1986 شاهد یکی از عالیترین تجلیات قهرمانی اعضای حزب کمونیست پرو بودند ؟

صدر گونزالو : بله . این يك تجلی عالی بوده . اما بعقیده ما ، عالیترین تجلی قهرمانی انقلابی ، خروش خشمناهنگ قهرمانی ، در مواجهه با قتل عام های 1984 - 1983 پدید آمد . یعنی زمانیکه تازه جنگ ما با ارتش آغاز شد . این گسترده ترین قتل عام است که تا بحال صورت گرفته است . و در آن شاهد نمونه های عظیمی از تجلی روحیه جنگاوری خلق بودیم که بایدگفت جنبه عمده و حیاتی بود . بعلاوه ، تجلی قهرمانی ، ایثار و فداکاری در سطح توده ای را شاهد بودیم - و نه فقط از جانب کمونیست ها ، بلکه از جانب دهقانان ، کارگران ، روشنفکران ، دختران و پسران خلق . این عظیم ترین نمایش قهرمانی انقلابی توده تا بحال بوده و بیش از هر تجربه دیگر ما را آبدیده ساخته است .

پس چرا 19 ژوئن را بعنوان " روز قهرمانی " بزرگ می داریم ؟ 19 ژوئن روزی است که به مردم ما و به جهان نشان داد که در آن روز فقط کمونیست ها نبودند که جان باختند . اکثریت جان باختگان از انقلابیون بودند . وبخاطر اینکه دريك روز وتاریخ مشخص بود به يك مظهر تبدیل شد درحالیکه ، کشتار عمومی بمدت دو سال ادامه داشت و در برگیرنده وقایع پراکنده بسیار بود . 19 ژوئن يك تك واقعه بود ، نمونه ای که تاثیرات عظیمش سراسر پرو و جهان را تکان داد . به همین دلیل ما روز 19 ژوئن را بعنوان " روز قهرمانی " بزرگ می داریم .

ال دیاریو : صدر گونزالو ، حزب چگونه دستگاه دولتی و منجمله ارتش چریکی خلق را تامین می کند .

صدر گونزالو : ... حزب کمونیست چین بر پایه آموزه های صدر مائوتسه دون به این نتیجه رسید که کمک اقتصادی کردن به احزاب ، فاسد کننده بوده و سیاستی رویونیستی است . زیرا يك حزب باید خود کفا باشد . این جهت گیری ما بوده است - یعنی اتکا بخود با ضروریات اقتصادی مرتبط است . اما بعقیده ما ، عمدتاً با جهت گیری سیاسی وایدئولوژیک ارتباط دارد .

زمانیکه از این اصل آغاز کنیم می توانیم ببینیم که ما چگونه ضروریات اقتصادی که همیشه وجود دارد - و غلط است که بگوئیم موجود نیست - را حل می کنیم .

با اتکاء به این معیارها ما از طریق اتکاء به توده ها این مشکل را حل کرده و خواهیم کرد . ما موجودیت خود را به توده های خلق مان ، به طبقه مان یعنی پرولتاریا ، مدیونیم و خادم آنها هستیم ؛ دهقانان ما ، عمدتاً دهقانان فقیر ؛ روشنفکران ؛ خرده بورژوازی ؛ پیشه وران ؛ انقلابیون، آنهایی که خواهان دگرگونی قطعی و به يك کلام انقلاب می باشند ، - بله اینها کسانی هستند که حزب را تامین می کنند . عمدتاً پرولتاریا و دهقانان هستند که آنرا تامین می کنند. و مشخص تر کنیم ، بخصوص دهقانان فقیر هستند که از سفره خود زده و مارا تغذیه می کنند، روانداز خود را با ما تقسیم می کنند و در کلبه شان جای کوچکی برای ما باز می کنند . آنها هستند که مارا تامین می کنند ، از ماحمایت می کنند و همانند پرولتاریا و روشنفکران حتی خونشان را بما می دهند . بله ما بدین ترتیب رشد می کنیم . تکیه گاه ما اینجاست

... ما اطمینان داریم که پرولتاریای بین المللی ، ملل ستمدیده ، خلقهای جهان ، احزاب و سازمان های که به مارکسیزم وفادار مانده اند علیرغم درجه تکامل شان ، از ما حمایت می کنند . و ما می دانیم اولین چیزی که بما می دهند ، حمایت درجه اول آنها یعنی مبارزه خود شان می باشد. تبلیغات یا برگزاری مراسم برای ما ، یکی از اشکال حمایتی آنهاست که افکار عمومی مساعدی را بسود ما آفریده و نشانه ای از انترناسیونالیزم پرولتری است . اما تاکید می کنیم این ما هستیم که باید تصمیم بگیریم آیا اینها را بپذیریم یا خیر . اگر صحیح باشند مسلماً بدان خوشآمد می گوئیم ، زیرا ما احزاب موظفیم به یکدیگر کمک کنیم - بالاخص در شرایط سخت و پیچیده .

دوباره تکرار می کنم ، تمام مبارزات پرولتاریا ، ملل ستمدیده ، خلق های جهان ، احزاب و سازمان های پابرجا و متعهد به مارکسیزم - تمامی این مبارزات - شکل کنگرت درجه اول از کمک انترناسیونالیستی پرولتری می باشد . معذالك ، بزرگترین کمکی که دریافت داشته ایم مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم فنا ناپذیر ، یعنی ایدئولوژی پرولتاریای بین المللی می باشد . که توسط طبقه کارگر طی سالیان دراز و از دل هزاران مبارزه در سراسرجهان شکل گرفته و رشد کرده است . این عظیم ترین کمکی است که ما دریافت کرده ایم زیرا نوری است که چشمان ما بی آن هیچ چیز را نمی بیند اما با این نور چشمان ما میتواند ببیند و دست های مان می تواند عمل کند . ما مسئله را بدین گونه می بینیم و بدین نحو پیشروی می کنیم .

سوم - جنگ خلق :

ال دیاریو : شما برای مناطق پایگاهی اهمیت زیادی قائل هستید . ممکن است بگوئید این مناطق چگونه ساخته می شوند ؟ نظر تان در مورد قیام چیست و چگونه به تدارك آن مشغولید ؟

صدر گونزالو : مناطق پایگاهی جوهر جنگ خلق است . بدون آن جنگ خلق نمی تواند توسعه یابد پیش از این در مورد شرایط خاصی که در نیمه دوم سال 1982 در مقابل مان قرار گرفت ، صحبت کردم . ما در حال توسعه مرحله نهایی کارزار گسترش جنگ چریکی بودیم که هدفش عبارت بود از نابود کردن مناسبات استثماري نیمه فیودالی . ما حملات خود را متوجه گامونالیزم . (اشاره دارد به مناسبات نیمه فیودالی در روستای پرو - مترجم) که پایگاه قدرت دولتی است و تا

زمانیکه نابودش نکنیم پایگاه آن باقی خواهد ماند، نمودیم. ما به زدن ضربات ادامه دادیم و شکست ها ی نابود کننده و حقارت باری بر نیروهای پلیس وارد آوردیم. این را فقط ما نمی گوئیم. مثلا خبرنگاران مجله "اکسپرسو" نیز در این باره گزارش داده اند و مسلما قضاوت آنان از احساسات انقلابی سرچشمه نمی گیرد. با ایجاد خلاء قدرت در مناطق روستایی، این سوال برای ما مطرح شد که اکنون چه باید کرد؟ و ماتصمیم به ایجاد کمیته های خلق گرفتیم که عبارتند از دیکتاتوری مشترک و قدرت نوین. در آغاز این کمیته ها را بطور مخفی ایجاد کردیم زیرا می دانستیم ارتش بزودی با ما وارد جنگ خواهد شد. شمار این کمیته ها صد چندان افزایش یافت. کمیته های مربوط به یک ناحیه، یک منطقه پایگاهی را تشکیل می دهند و مجموعه این مناطق پایگاهی، جمهوری دموکراتیک نوین خلق که در حال شکل گیری است را تشکیل می دهند. کمیته ها، مناطق پایگاهی و جمهوری دموکراتیک نوین خلق بدین ترتیب زاده شدند.

زمانیکه ارتش وارد جنگ شد ما ملزم به مبارزه ای دشوار شدیم. آنها برای احیای نظم کهن می جنگیدند و ما برای ممانعت از احیا؛ تا اینکه بتوانیم قدرت نوین را برقرار سازیم.

آنها قتل عامی بشدت خونین و مطلقا بیرحمانه براه انداختند. ما با چنگ و دندان جنگیدیم. در سال 1984 ارتجاع و بالاخص ارتش چنین انگاشتند که ما شکست خورده ایم. در اینجا شما را رجوع می دهیم به اسنادی که معرف حضور ایشان است (زیرا اسناد خود شان می باشد) در این اسناد گفته اند که ما دیگر خطری برای شان محسوب نمی شویم و M.R.T.A خطرناک است. اما نتیجه چه شد؟ کمیته های خلق و مناطق پایگاهی چند برابر شدند و پایه ایجاد شد که بعدا مناطق پایگاهی را توسعه دهیم. ما امروز مشغول این کار هستیم.

در مورد قیام، من معتقدم این مسئله ای بسیار مهم است. در شرایطی که ما حزب را بازسازی کرده و ایدئولوژی روشنی اتخاذ کرده بودیم، اوضاع انقلابی رشد یابنده در کشور ما آغاز جنگ خلق را میسر ساخت. ایجاد مناطق پایگاهی، رشد ارتش چریکی خلق و جنگ خلق به توسعه فزونتر اوضاع انقلابی یاری می رساند.

بنابراین، با در نظر گرفتن آنچه صدر مائو گفته است، کلیت این اوضاع به وضعیتی منتهی می شود که او آنرا اوج مبارزه خواند یا لنین آنرا بحران انقلابی نامید. زمانیکه به آن نقطه برسیم، قیام رخ می دهد. این تئوری جنگ خلق است و چیزی است که ما هم اکنون در حال انجامش هستیم و بر پایه آن پیشروی می کنیم. بنابراین، از آنجا که روند جنگ خلق الزاما ما را به نقطه اوج مبارزه خواهد رساند باید قیام را که در نهایت به معنای فتح شهرهاست، تدارک ببینیم. از آنجایی که قیام یک ضرورت است، ما درباره آن می اندیشیم و برایش آماده می شویم. بدون آن نمی توانیم به پیروزی سراسری دست یابیم.

مسئله شهرها برای ما چگونه مطرح است؟ سالهاست که ما کارمان را در شهرها و مناطق روستایی توسعه بخشیده ایم. حقیقت آنست که با این کار جابجایی و تغییری در جنگ خلق حاصل شده است. اکنون اوضاع ما بگونه ای است که باید باین سوال پاسخ دهیم: شهر، یا عام تر بگوئیم شهرها، را چگونه باید آماده کرد. این امر مرتبط است با توسعه بخشیدن به کارتوده ای، اما در چارچوب جنگ خلق و در خدمت آن. ما این کار را کرده ایم و ادامه می دهیم. نکته اینجاست که ما دست به گسترش بیشتر آن زده ایم. بنظر ما فعالیت در شهرها لازم الاجرا است و باید آنرا هرچه بیشتر شدت بخشید چرا که پرولتاریا در آنجا متمرکز است و ما نمی توانیم او را در دست رویونیسم یا اپورتونیسم بحال خود رها کنیم.

حلبی آباد ها در شهر ها بوده و دربرگیرنده جمعیتی عظیم هستند . ما از سال 1976 برای کاربر شهرها خطوط رهنما داشتیم که عبارت بود از اینکه حلبی آباد ها و حاشیه نشین ها اساس و پرولتاریا نیروی رهبری کننده ای است . این سیاست ما ست و ما آنرا درحال حاضر نیز تحت شرایط جنگ خلق بکار می بندیم .

کدام بخش از توده ها هدف کار و فعالیت ما هستند ؟ این را خود تان می توانید ببینید . از آنچه تاکنون گفته شد روشن است که توده های وسیع حلبی آباد ها و حاشیه نشین ها مانند کمربندی آهنی دشمن را محاصره کرده و نیروهای ارتجاع را مهار خواهند زد .

ما باید بطور فزاینده ای به جلب طبقه کارگر بپردازیم تا اینکه آنها و خلق رهبری ما را به رسمیت بشناسند . ما کاملاً واقفیم که این امر زمان و تجربه مکرر خواهد برد تا اینکه طبقه ما ببینند ، بفهمد و تاکید کند که این حزب پیشاهنگ اوست ؛ و توده های خلق ببینند که دارای مرکزی هستند که رهبری شان می کند . باتوجه به اینکه مکرراً کلاه سر شان گذاشته اند . ما این حق را به آنها می دهیم ! چقدر به امید های آنان – به پرولتاریا ، به توده های حلبی آبادها به خرده بورژوازی و به روشنفکران – خیانت شده است ! ما باید چنین خواستی از جانب آنان را درک کنیم روشن است که چنین حقی دارند . ما موظفیم که فعالیت کنیم تا آنان ثابت نمائیم ، بآنان نشان دهیم که واقعا پیشاهنگ آنان هستیم و اینکه آنها باید ما را بصورت پیشاهنگ به رسمیت بشناسند .

ما ، بین پیشاهنگ بودن و یک پیشاهنگ به رسمیت شناخته شده بودن ، فرق می گذاریم . طبقه ما این حق را دارد و هیچکس نمی تواند این حق را از او سلب کند . توده های خلق نیز به همین ترتیب . ما اینطور فکر می کنیم . ما فکر نمی کنیم که پرولتاریا و خلق ما را یک شبه بصورت پیشاهنگ و تنها مرکزیت خود به رسمیت خواهند شناخت . ما باید به چنین موقعیتی دست یابیم تا بتوانیم انقلاب را بنحوی درخور به سرانجام برسانیم . پس باید پشتکار بخرج دهیم ، و اشکال مختلف بعنوان بخشی لاینفک از کار توده ای خود به وجود آوریم . تا اینکه توده ها از خود جنگ خلق بیاموزند ؛ تا اینکه به ارزش سلاح ، به اهمیت تفنگ پی ببرند . صدر مائو می گوید : دهقانان باید به اهمیت تفنگ آگاه گردند ، این واقعیتی است . از این رو ما آرمان را بدین نحو پیش می بریم . ما اشکال نوین می آفرینیم و بدین ترتیب کار توده ای خود را در چارچوب جنگ خلق و در خدمت بدان توسعه می بخشیم .

این مرتبط است به یک چیز دیگر – یعنی با " جنبش انقلابی در دفاع از خلق " M . R . D . P محور آن " مرکز مقاومت " می باشد . ما این را به صراحت می گوئیم . اینها دیگر اشکال سازمانی ، دیگر اشکال مبارزاتی هستند که با جنگ خلق متناسب است . این ها نمی توانند همان اشکال عادی باشند . اینها خصیلتی متفاوت دارند . این واقعیت کنکرت هست . در نتیجه ما علاوه بر حزب ، ارتش چریکی خلق جنبش انقلابی در دفاع از خلق ، تشکلات دیگری را هم که برای حیطة های مختلف فعالیت بوجود آمده رشد می دهیم .

ما باید روحیه مبارزه جویی توده ها را تحریک کنیم تا توان نهفته در آنها و در طبقه ما به فعل درآید . نگاهی به برخی مثال ها ببیندازیم . امروز ما شاهد افزایش هنگفت قیمت ها هستیم . چرا هیچ اعتراض توده ای علیه آن نیست ؟ چه کسی توده ها را عقب نگه داشته ؟ لنین می گوید که اعتراض لرزه براندام ارتجاع می اندازد . زمانی که طبقه ما در خیابان ها رژه می رود ارتجاع به خود می لرزد . این چیزی است که ما می خواهیم بکار بیندازیم ؛ مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم به ما چنین می آموزد . طبقه ما از بطن مبارزه بوجود آمده و رشد می کند ؛ خلق نیز به همچنین . ما باید تجارب توده ها ، تجارب خود خلق را سنتز کرده و به آنها در ایجاد اشکال سازمانی و

اشکال مبارزاتی خود شان کمک کنیم تا اشکال هر چه پیشرفته تر سازمانی و مبارزاتی را در شهرها اتخاذ کنند و بدین نحو تعلیم ببینند .

نظر ما چیست ؟ روشن است که مرکز کار در روستاست ، اما برای قیام مرکز عوض می شود و به شهر گذر می کند . این حتی بدان معناست که همانگونه که در آغاز ما جنگجویان و کمونیست ها را از شهر به روستا بردیم ، بعدا باید آنها را از روستا به شهر ببریم . مسیر این خواهد بود و ما بدین نحو در تدارک قیام وزنه خود را منتقل می کنیم . باید بدنبال شرایطی باشیم که در آمیختن عملیات " ارتش چریکی خلق " با عملیات قیامی در شهرها - در یک یا چند شهر - را امکان پذیر سازد . این چیزی است که برای ما ضرورت دارد .

هدف ما قیام ، فتح شهرها جهت کسب پیروزی سراسری برای جنگ خلق است . اما ما باید تلاش کنیم که وسایل تولید را حفظ نمائیم (ارتجاع در صدر نابودی آن خواهد بود) و زندانیان جنگی انقلابی یا انقلابیون شناخته شده را حفظ کنیم (که ارتجاع در پی محو کردن آنها خواهد بود) و نیز به تعقیب دشمنان خود پرداخته آنان را برجای شان بنشانیم . بطوری که نتوانند لطمه ای به ما وارد کنند . این ها درس های هست که در مورد قیام بما آموخته شده است . و قیام همین است . لنین به ما آموخت که چگونه برای قیام زمینه چینی کنیم و صدر مانو بما نقش قیام در جنگ خلق را نشان داد . ما قیام را این گونه می بینیم و بدین ترتیب برایش تدارک می بینیم . این راهی است که ما باید طی کنیم و داریم طی می کنیم .

باید بروی یک نکته بسیار روشن باشیم . قیام یک انفجار ساده و خودبخودی نیست . خیر ، چنین چیزی خطرناک است ؛ معهذای می تواند اتفاق بیفتد . وبه همین دلیل است که قیام باید از هم اکنون مشغله ما باشد . بنظر ما برخی ها ممکن است بخواهند از جنگ خلق برفع خود استفاده کنند . چندی پیش ، در یکی از جلسات کمیته مرکزی احتمالات را بررسی کردیم . یکی از آنها این است که رویونیست ها یادیگران بخواهند " قیام های " را تحریک کنند برای اینکه در پروسه رشد جنگ امپریالیست خود - یا هر قدرتی که آنان را اهانت می کند - خدمت کنند زیرا نیروهای بسیاری بدنبال بهره جویی از ما بدین نحو خواهند بود .

ال دیاریو : هشت سال است که گروه ها و احزاب راست ، رویونیست ها ، اپورتونیست ها و تمام " انتقام جو ، " خونخوار " ، " پول پوتی " ، " دکماتیک " ، " سکتاریست " و " تروریست و کوکائین فروش " هست . " حزب متحد ماریاتگیست ها " P.U.M برای این فهرست ، اتهام دیگری افزوده و می گوید ، دهقانان بین آتش طرفین گیر افتاده اند . (بین جنگ خلق و نیروهای مسلح دولت - مترجم) آنها حزب را ملیتاریست می خوانند . اخیرا " ویلانوا " (یک مقام حزب اپرا - مترجم) شما را " تروریست های کشتارگر " و چیزهای از این قبیل خوانده است . در مورد این همه اتهام چه می گوئید ؟ پشت آنها چه نهفته است ؟

صدر گونزالو : از نظر من ، این حرف ها یک رشته دروغ بوده و نشان می دهد که اینها جنگ خلق را نمی فهمند . برای من روشن است که دشمنان انقلاب هرگز قادر به درک جنگ خلق نخواهند بود درباره این اتهام که دهقانان میان آتش طرفین گیر کرده اند باید بگوئیم ، اختراع حساب شده ای است ؛ زیرا اکثریت عظیم ارتش چریکی خلق ، همانا از دهقانان هستند . باید این را درک کرد که دولت پرو توسط ارتش و دستگاه سرکوب گرش می خواهد انقلاب را در خود غرق کند . این درک ماست وبه این حضرات توصیه می کنیم کمی در مورد جنگ بطور عام ، جنگ انقلابی ، و عمدتا جنگ خلق مائوئیزم مطالعه کنند . هر چند شك داریم که موضوع را بفهمند؛ زیرا فهم این مسئله نیازمند یک موضوع طبقاتی معین است .

حرف آقای "ولانوانوا" مبنی بر "تروریست های کشتارگر" بنظر من هجو و تقلید بیشرمانه ای هست تا صفت "کشتارگر" که همزاد خودشان است را به ما نسبت دهند. برای پروئی ها و جهانیان روشن است که چه کسی کشتار می کند. این حکومت اپرا (قبل از فوجیموری، اپرا در راس دولت بود - مترجم) بمثابه رهبر دولت ارتجاعی، این ارتش و قوای سرکوبگر اند که کشتار می کنند - این ها هستند کشتارگران پست و فرومایه توده ها. تعریفات نمی توانند حقایق را وارونه کنند. دیروز تاریخ نوشته شده و فردا برآن مهر تائید خواهد خورد. بعلاوه "ولانوانوا" چقدر باقی خواهند ماند؟ آینده اش چگونه خواهد بود؟ بهتر است کمی در این باره فکر کند.

آل دیاریو: به نظر شما در نتیجه هشت سال جنگ، چه تغییراتی در سیاست پرو در زیر بنای اقتصادی جامعه در بین توده ها صورت گرفته است؟

صدر گونزالو: اولین تغییر، رشد جنگ خلق است که بطور مهارنشده پیشروی می کند. این بدان معناست که برای اولین بار در کشور ما انقلاب دموکراتیک دارد عملی می شود. این امر تمام مختصات سیاسی پرو را تغییر داده است. از این رو ارتجاع و همدستانش - پیش از همه رویزیونیست ها و دیگر ملتزمین رکاب رنگارنگ آنها - به این نتیجه رسیده اند که مشکل اول و عمده دولت پرو، جنگ خلق است. بدین ترتیب ما در حال دگرگون کردن جهان در این کشور هستیم. از درون این جریان، مهمترین دست آورد ما - دست آورد عمده ما - حاصل شده که عبارت است از شکل گیری يك قدرت نوین - قدرتی که به پیش می تازد و سرانجام به سراسر کشور تعمیم خواهد یافت.

در زیربنای اقتصادی، تحت قدرت نوین، در حال برقراری مناسبات نوین تولیدی هستیم. يك نمونه کنکرت این کار عبارت است از عملی ساختن سیاست ارضی خودمان، با استفاده از کار جمعی، سازماندهی زندگی اجتماعی بر طبق واقعیت نوین، و دیکتاتوری مشترک. این دیکتاتوری برای اولین بار حاکمیت کارگران، دهقانان و ترقی خواهان (یعنی کسانی که می خواهند این کشور را توسط تنها طریق ممکن که همانا جنگ خلق است دگرگون سازند) را متحقق ساخته است.

در رابطه با مرتجعین؛ گذشته از آنکه جنگ خلق، يك بار سنگین اقتصادی بردوش آنها مناسبات نیمه فیودالی که حافظ کل این ساختار است را تضعیف کرده ایم و همزمان به امپریالیزم ضربه زده ایم.

اما در مورد توده های خلق، توده های قهرمان، و عمدتا در مورد پرولتاریا یعنی طبقه رهبری کننده همیشگی باید بگوئیم که برای اولین بار است که دارند قدرت می گیرند و مزه عسل را بر لبان خود احساس می کنند. آنها در اینجا متوقف نخواهند شد؛ آنها همه قدرت را می خواهند و آنرا بدست خواهند آورد.

چهارم - درباره اوضاع سیاسی ملی:

آل دیاریو: صدر گونزالو، شما وضعیت مبارزه طبقاتی توده ها را چگونه می بینید؟ در مورد تشکلات موجود چه فکر می کنید؟

صدر گونزالو: در مورد نکته اول، مایلیم از این نکته پایه ای شروع کنم: خلق ما قهرمان است و طبقه ما، یعنی پرولتاریا قهرمان تر. بطور کلی، خلق و پرولتاریا همیشه شخصیت اصلی مبارزه طبقاتی اند. آنها هرگز دست از مبارزه نکشیده اند و نخواهند کشید؛ تا اینکه به کمونیزم دست یابیم.

فکر می‌کنم پیش از هر چیز باید عظمت خلق و طبقه خودمان یعنی پرولتاریا را دریابیم. سپس باید مسئله را به رسمیت شناخته، بوضوح دیده و با تأکید اعلام کنیم که بدون حمایت آنها، بدون پایداری آنها، ما هیچ کاری نمی‌توانستیم بکنیم! باید قدر شانرا بدانیم، زیرا این توده‌ها هستند که تاریخ سازند و ما به این امر اعتقادی آتشین داریم. درست همانگونه که به اصل "شورش بر حق است" معتقدیم. این نیز یکی دیگر از اصول کلیدی توده‌ها است.

به توده‌ها چگونه می‌نگریم؟ با شور عمیق یک کمونیست به سیل خروشان توده‌ها بپا خاسته که شکوه گذشته را باز می‌جویند و صفحاتی نوین بر دفتر تاریخ می‌افزایند، درود می‌فرستم. توده‌ها در مبارزه طبقاتی شرکت جسته‌اند و به شرکت خود در یک روند حاد مبارزه طبقاتی ادامه خواهند داد. بدبینی حاکم بر "چپ متحد" - همانطور که آقای "مارونو" رهبر "حزب سرخ" اعتراف می‌کند - به میان توده‌ها راه نخواهد یافت زیرا توده‌ها بدبین نیستند. همانطور که صدر مائوگفت: فقط رویزیونیست‌ها بدبین هستند. پرولتاریا و کمونیست‌ها همیشه خوش بین هستند زیرا آینده متعلق به آنها است - این امری است که بطور تاریخی تعیین شده و اگر از مسیر خود منحرف نشویم متحقق خواهد شد. توده‌ها هیچوقت دچار بدبینی نشده و نخواهند شد. این یک تهمت و ادعای مزخرف است. توده‌ها می‌جنگند اما برای اینکه جنگند نیاز به رهبری دارند. نیاز به یک حزب دارند، زیرا هیچ جنبش توده‌ای نمی‌تواند بدون بدون آنکه حزبی رهبریش کند بوجود آید و تداوم خود را حفظ کند؛ چه رسد به آنکه خود را رشد دهد.

زمانی که می‌بینیم توده‌ها چگونه می‌رزمند و از اعمال شان در می‌یابیم که از توده‌های درگیر در جنگ خلق می‌آموزند، زمانیکه می‌بینیم چگونه شروع به عملی کردن شعار بزرگ "به نبرد برخیزید و مقاومت کنید!" می‌نمایند، سراپا غرق و جد و سرور انقلابی می‌شویم. اکنون زمان آن نیست که فقط گیرنده باشیم بلکه باید سخاوت مندانه دین خود را ادا کنیم. بنظر من توده‌ها چنین می‌کنند. آنها نمونه‌های واقعا برجسته‌ای ارائه می‌دهند که ما را قادر می‌سازد آینده درخشان را ببینیم - آینده‌ای که خود توده‌ها خواهند دید. زیرا آنها هستند که انقلاب می‌کنند و حزب فقط آنها را رهبری می‌کند. بنظر من این اصلی است که همه ما می‌دانیم، اما تکرار آن مفید است.

در مورد سوال شما پیرامون تشکلات باید بگویم، ما معتقدیم امروز بیش از همیشه باید با جدیت آنچه که لنین در بخش هشتم مقاله، "ورشکستگی انترناسیونال دوم" آموخت را مطالعه کنیم. او می‌گوید، دولت استثمارگران، دولت بورژوازی، دولت ارتجاعی به تشکلاتی که او را تقویت کرده و در خدمتش قرار دارند اجازه موجودیت می‌دهد تا بتواند خود را حفظ کرده و بقاء یابد. این تشکلات برای حفظ موجودیت خود چه می‌کنند؟ انقلاب را بخاطر یک دیگ طاس کباب می‌فروشند. این وصف الحال آنان است. بعلاوه، لنین می‌آموزد که انقلاب از این تشکلات هیچ انتظاری نمی‌تواند داشته باشد. انقلاب باید در شرایط جنگ و انقلاب، تشکلات خود را بیافریند. ما امروز چنین شرایطی را از سر می‌گذرانیم و من بعد چنین خواهد بود. در آینده انقلاب پیروز خواهد شد. بنابراین لنین بما می‌گوید که باید تشکلات نوینی بسازیم که به انقلاب خدمت کند، حتی اگر لازم این کار جهیدن از روی سرکسانی باشد که کارگران را می‌فروشند و به انقلاب خیانت می‌کنند. به اعتقاد من به گفته‌های لنین باید احترامی عظیم گذاشت. این گفته‌ها باید ما را بطور جدی و عمیق به فکر وادارد. در غیر این صورت ما به طبقه یا به خلق خدمت نخواهیم کرد. باید بروی ضرورت عاجل کمک به توده‌ها جهت دست یابی به آگاهی طبقاتی فزاینده تر تأکید بگذاریم تا بتوانند بهمان صورتی که هستند یعنی بشکل طبقه کارگر یا خلق با منافع

متضادآشتی ناپذیر با منافع استثمارگران، زندگی کنند. هنگامیکه آنها با اعتصابات شان تولید را می خوابانند باید به وضوح بقدرت خویش پی ببرند. بگذار آنها اعتصاب را بصورت یک مدرسه جنگ، یک مدرسه کمونیزم ببینند؛ آنها احساس کنند و به پیش برند و اعتصابات شان را بصورت کل شکل عمده مبارزه در عرصه اقتصادی - زیرا اعتصاب یعنی همین - استمرار و توسعه بخشند. اما تحت شرایط کنونی این مبارزات باید بطور لاینفک با امر کسب قدرت مرتبط باشد. پس بگذارید مبارزه بر سر خواسته های اقتصادی را با مبارزه برای کسب قدرت - با جنگ خلق- متحد کنیم؛ زیرا این درخدمت منافع طبقاتی پرولتاریا و خلق می باشد. این چیزی است که ما بدان نیاز داریم و توده ها نیز آنها بطور فزاینده ای به پیش می رانند.

مدت مدیدتری است که مادر حزب، قانونی را جمع بندی کرده ایم و آنها قانون توده ها می خوانیم. این قانون متشکل ساختن توده ها در جنگ و درروند انقلابی است که در حال توسعه اش هستیم. ما این قانون را بکار بسته ایم. توده ها فوج فوج و هر بار بیش از پیش به مبارزه می پیوندند. این مسیری است که ما می پیماییم و نود درصد خلق در پرو را متحد خواهیم کرد. برای چه؟ برای آنکه توده ها بتوانند پیروزی انقلاب و بسرانجام رساندن کاری که هشت سال پیش آغاز کرده و با خون خویش آنها به پیش رانند را متحقق سازند. برای اینکه انقلاب متعلق به آنها است، از آنها برخاسته و از اعماق شان سرچشمه گرفته است. تکرار می کنیم، این توده ها هستند که سازنده تاریخ اند و حزب فقط آنان را رهبری می کند، بنظر من این حقیقت است.

آل دیاریو: صدر گونزالو، تشکلات دیگر یا انقلاب سوسیالیستی در پرو را تعریف نمی کنند یا اینکه در مورد آن بطور مبهم سخن می گویند. چرا حزب کمونیست پرو می گوید که انقلاب پرو مرحله دارد؟ انقلاب دموکراتیک چیست؟ انقلاب سوسیالیستی چگونه خواهد بود و انقلاب فرهنگی پرولتاری که حزب کمونیست پرو آنها پس از مغلوب ساختن نیروهای ضد انقلاب رهبری خواهد کرد چیست؟

آیا همانند چیزی خواهد بود که صدر مائو درچین رهبری کرد؟

صدر گونزالو: تعریف خصلت یک انقلاب مسئله ای کلیدی است. برای ما، همانطوریکه درکنگره حزب مان تصویب شده، انقلاب یک انقلاب دموکراتیک است. ما با اتکاء به مائوئیزم توانستیم درکی کامل تر از اوضاع کشور بدست آوریم. بنظر ما پرو یک جامعه نیمه فیودالی و نیمه مستعمره است که در آن سرمایه داران بوروکراتیک رشد یافته است. بنا براین، انقلاب یک انقلاب دموکراتیک می باشد. بنظر ما انقلاب دموکراتیک باید سه کوه را براندازد: امپریالیزم و عمدتاً امپریالیزم پانکی؛ سرمایه داری بوروکرات و نیمه فیودالیزم. لازم انقلاب دموکراتیک دست زدن به جنگ خلق است. بهمین جهت ما به این مسیر پافشاری کرده ایم. جنگ خلق ما را قادر خواهد ساخت که سه کوه را نابود کرده و قدرت سراسری را (درآینده نه چندان دور) کسب کنیم. درتحلیل نهایی این امر وابسته است به تلاش های فزاینده همه ما که درگیر جنگ خلق هستیم و به جلب هر چه بیشتر توده ها به این جنگ. انقلاب سوسیالیستی باید بلافاصله پس از انقلاب دموکراتیک در پیش گرفته شود می خواهیم این مسئله را بشگافیم. صدر مائو با دوراندیشی بسیار، با توجه به شرایطی که ممکن است پیش بیاید، بما می آموزد که انقلاب دموکراتیک همان روزی که قدرت در سراسر کشور کسب می شود و جمهوری خلق تاسیس می گردد، پایان می پذیرد. همان روز و همان ساعت، انقلاب سوسیالیستی آغاز می شود. درانقلاب سوسیالیستی ما باید یک دیکتاتور پرولتاریا بوجود آوریم و دست به دگرگونی های اساسی بزنیم تا سوسیالیزم تکامل یابد.

بنظر ما انقلاب نوع سومی هم موجود است . با مطالعه صدر مائوتسه دون و حزب کمونیست چین ما بیش از پیش به اهمیت انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریایی بعنوان ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا پی برده ایم . این انقلابی است که کاملاً ضروری که بدون آن ، انقلاب نمی تواند بطور مستمر به سوی کمونیسم پیش روی کند . به اعتقاد ما انقلابات فرهنگی پیاپی ضروری خواهد بود ، اما این انقلابات باید در پراتیک شکل بگیرند . ما در عین حال که باید خود را به تئوری صدر مائو تجربه عظیم حزب کمونیست چین متکی کنیم ، باید آنرا با شرایط خود مان تطبیق دهیم – در این باره نیز ما ضد دکماتیک هستیم . ما نمی توانیم مکانیکی عمل کنیم . این ضد مائونیسم است . بعنوان حزب کمونیست ما دارای یک هدف هستیم . کمونیسم : اما برای رسیدن به آن – عذر می خواهیم که تکرار می کنیم – یا همه اهالی کره زمین به کمونیسم خواهند رسید ، یا هیچ یک از ما به آنجا نخواهیم رسید . ما کاملاً ضد تر رویزیونیستی خروشچف هستیم که می گفت تا سال 1980 در اتحاد جماهیر شوروی ، کمونیسم برقرار خواهد شد . صدر مائو در ارتباط با ورود به مرحله کمونیسم تاکید کرد که همه یا هیچ کس . به همین دلیل انقلاب ما بطور لاینفکی با انقلاب جهانی متصل است . این هدف نهایی و مسلم ماست . هر چیزی دارای مراحل ، مقاطع و لحظه هاست . ما معتقدیم که رسیدن به کمونیسم در افق دورتری قرار دارد . بینش صدر مائوتسه دون درین باره صحیح است .

آل دیاریو : می گویند وقتی حزب کمونیست پرودراین کشور قدرت را بکف آورد ، هر نوع مایملکی را مصادره خواهد کرد . آیا این حقیقت دارد ؟ با قروض خارجی چگونه برخورد خواهید کرد .
صدر گونزالو : برنامه حزب تمام این مسایل را روشن می کند . یک انقلاب دموکراتیک نظیر انقلاب ما آماج خود را دارد : همان سکوی که از آن صحبت کردیم . یعنی اینکه ما در پی گسست از سلطه امپریالیسم و عمدتاً امپریالیسم یانکی هستیم . اما همزمان برای ممانعت از سلطه سوسیال امپریالیسم یا هر قدرت امپریالیستی دیگر مبارزه می کنیم . ما در پی نابودکردن نیمه فیودالیسم و عملی کردن شعار بزرگ و کماکان معتبر " زمین از آن کشت کار " هستیم . تاکید بر این مسئله خوبست زیرا در موردش حرف های زیادی زده شده است . صدر مائو بارها بر این شعار تاکید کرد که معنایش برای ما نابود کردن مالکیت نیمه فیودالی و تقسیم زمین بین دهقانان ، عمدتاً دهقانان فقیر و تبدیل زمین به مایملک آنان است . و تکرار می کنیم ما سرمایه بوروکراتیک را محاصره خواهیم کرد . این امری بسیار مهم است زیرا به قدرت نوین یک پایه اقتصادی می دهد تا بتواند اقتصاد را هدایت کرده و به سوی سوسیالیسم ببرد . ما ضد آن سکو هستیم . سیاست ما در مورد بورژوازی ملی یا متوسط اینست که به حقوق شان احترام می گذاریم . ما به این سیاست عمل می کنیم . بدون عوض کردن خصلت انقلاب نمی توانیم بیش از این جلو برویم . " مصادره کردن هر نوع مایملک " هیچ نیست مگر داستان سرایی و دروغ . همانطور که مارکس استادانه تشریح کرد آنها همیشه علیه کمونیست ها چنین دروغ های را اشاعه داده اند . برای ضدیت با کمونیسم ، ارتجاع و دشمنان انقلاب همواره به دروغ پردازی و جعل واقعیات پرداخته اند . از زمان بنیان گذاری کبیر مارکسیسم ، همه این تهمت ها ، دروغ ها و تحریف آموزش های داهیانه مارکس رواج داشته است . آنچه علیه حزب ما گفته می شود نیز هیچ نیست مگر ادامه همان مکتب ارتجاعي کهن و تلاش های دشمنان انقلاب .

آل دیاریو : حزب در مورد قروض خارجی چه خواهد کرد ؟

صدر گونزالو : ازان جاي که قروض خارجي دارايي امپريالیستی است صادره خواهد شد . فکر مي کنم صحيح است اضافه کنیم که این تنها راه خلاص شدن از شر بار عظیمی است که بر بسیاری از کشورها ستم روا مي دارد و ملل و خلق ها را به فقر مي کشاند. این کار را فقط از طریق انقلاب میتوان انجام داد و راه دیگری نیست . کلیه راه و روش های دیگر که آنها مطرح مي کنند تنها يك هدف دارد و آنها نجات امپریالیزم است . بعلاوه ما معتقدیم ، تجربه تاریخی نیز همین را نشان مي دهد .

آل دیاریو : صدر گونزالو ، خصایل عمده جمهوری دموکراتیک نوین خلق که شما و حزب پیش گذارده اید چیست ؟

صدر گونزالو : خصایل آن اساسا خصایل يك دیکتاتوری مشترك است . من بر این نکته اصرار مي ورزم ، زیرا در پرو باید در باره مسئله دولت فکر کنیم و آنرا از زاویه مارکسیزم – لنینیزم – مائوئیزم تحلیل کنیم . اولین نکته ای که مسئله دولت در مقابل ما طرح مي کند ، مسئله نظام دولتی یا نوع دیکتاتوری طبقاتی است که باید اعمال شود . در مورد ما ، این يك دیکتاتوری مشترك است . در حال حاضر این دیکتاتوری فقط از آن سه طبقه است : یعنی پرولتاریا ، دهقانان و ترفیخواهان (خرده بورژوازی) بورژوازی ملی در آن شرکت ندارد و لی ما حقوقش را رعایت مي کنیم . ما این سیاست را عملی مي کنیم . نظام حکومتی که از بالا منتج مي شود و پایه هایش بر مجامع عمومی خلق استوار است . چگونه این را در عمل پیاده مي کنیم ؟ شکل کمیته ها . کمیته های خلق از مناطق پایگاهی شکل گرفته است و مجموع مناطق پایگاهی ، جمهوری دموکراتیک نوین خلق را تشکیل مي دهند . این چیزی است که در حال ساختنش هستیم و این کار را تا پایان انقلاب دموکراتیک ادامه خواهیم داد . مایلیم بر این نکته تاکید کنم که حزب تصمیم گرفت " بذر قدرت را بیفشانند " تا توده ها شروع به اعمال قدرت کرده و اداره دولت را بیاموزند . زیرا از همان زمانی که اداره دولت را مي آموزند در مي یابند که دولت را فقط توسط نیروی سلاح مي توان محافظت کرد و همانگونه که آنرا بدست آورده اند باید از آن به دفاع بر خیزند . " افشاندن بذر قدرت " محتاج آنست که در ذهن خلق نیاز به قدرت نوین را بیفشانیم و ضرورت آنرا در عمل ببینند . ما مشغول چنین کاری هستیم خلق عملکرد های عمومی رهبری ، ساختن و برنامه ریزی را بمثابة بخشی از جمهوری دموکراتیک نوین خلق به اجرا در مي آورد . فکر مي کنم تا همین جا کافیت چون سایر مسایل مربوط به این مبحث قبلا در اسناد حزب تشریح شده است .

پنجم – امور سیاسی بین المللی :

آل دیاریو : صدر گونزالو ، بعد از پیروزی انقلاب ، دولت نوین چه نوع مناسبات بین المللی با حکومت های بورژوایی خواهد داشت – خصوصا با دولت یانکی و سوسیال امپریالیزم ؟

صدر گونزالو : وضعیت روشن است . باید به سلطه امپریالیزم یانکی در کشورمان پایان دهیم . در همان حال باید جلو سلطه جویی سوسیال امپریالیست ها یا هر قدرت دیگری را بگیریم . این جواب کلی سوال شماست .

آل دیاریو : آیا خطر انزوای کامل ، دولت نوین را در وضعیت نامطمئن قرار نخواهد داد ؟

صدر گونزالو : ما معتقدیم باید راهی را برویم که به رهایی طبقه ما ، به کمونیزم مي انجامد . این راه از ما حفظ استقلال را طلب مي کند بدین ترتیب است که مي توان منافع پرولتاریا در انقلاب جهانی را متحقق نمود . ما معتقدیم و نیز آشکار است که بین امپریالیست ها دعوا و تضاد های

وجود دارد. از این چیزها می شود استفاده کرد. مثلا برای تامین برخی مواد اولیه بواسطه اشباع بیش از پیش بازار، یک جنگ تجاری واقعی در کار است. شاید بتوانیم کسانی را پیدا کنیم که طالب فروش به ما باشد. البته قیمت های بسیار بالا طلب خواهند کرد و بقول لنین، ما هم با نفرین خواهیم پرداخت اما در همان حال، ملل ستمدیده، انقلابات در حال پیشروی، پرولتاریای بین المللی، افرادی در سراسر جهان، و احزاب کمونیست هم خواهند بود - آنها به ما کمک خواهند کرد و ما باید بیاموزیم. زیرا آنها بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتاری به فراخوان ما پاسخ خواهند داد و پاسخ خوبی خواهند گرفت. در حال حاضر هم شاید آغاز ارتباطات و حتی مبادلات میان کشورهای عقب مانده هستیم. ما اشکال مناسب را پیدا خواهیم کرد.

چون مسایل مربوط با این موضوع در آینده طرح خواهد شد، ما به حد کافی مسئله را مطالعه نکرده ایم. خطوط رهنمایی عمومی را داریم، اما با این گفته لنین موافقیم که: اگر می خواهید بفهمید جنگ چگونه است، بجنگید. بگذارید به پرولتاریای بین المللی، ملل ستمدیده، خلق های جهان و بالاخص به کمونیست ها، به احزاب و سازمان ها در هر سطحی از تکامل که هستند، اعتمادی خلل ناپذیر داشته باشید. با محکم چسبیدن به ایدئولوژی خود، مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم، پیشروی خواهیم کرد. و حتی در ابتدا کور مال کورمال راه خود را یافته و برخی اوقات یا برای دوره های کوتاه، راه حل های مؤقتی پیدا خواهیم کرد تا اینکه بالاخره راه قطعی را بیابیم. همان طوریکه لنین به ما آموخته، هیچ انقلابی را نمی توان بطور کامل از قبل طراحی کرد. خیلی اوقات انقلاب باید از مسیر های نامطمئن بگذرد و به راه حل های مؤقتی یا سریعا متغییر متوسل شود - اما طریق پیشرفتش جز این نیست. این جهت گیری ماست، زیرا سلاح اساسی ما ایدئولوژی ماست. ما گفته مارکس را نکته عظیمت خویش قرار می دهیم: چقدر آسان بود اگر پیروزی ما در پیش بردن انقلاب مطلقا معلوم بود و کل مسایل برای ما از قبل حل شده بود - آری آسان می بود، اما در واقعیت چنین نیست. مسئله اینست که به انقلاب متعهد باشیم و آنرا به هر بهایی به پیش ببریم. از آن جا که توده ها سازندگان تاریخ اند، خلق ما بگونه ای درخور به پا خواهد خاست. آنگاه وظیفه ما مسلح کردن خلق بطور همه جانبه با سلاحی است که مارکس در اختیار ما ن نهاده است. سپس از دولت خود بانیروی سلاح محافظت خواهیم کرد زیرا هیچ دولت انقلابی نمی تواند خود را با الطاف امپریالیسم و ارتجاع حفظ کند.

و بدین طریق، با چنین پایداری، با چنین اراده و با ایمانی که مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم بویژه مائوئیسم نصیب ما ن ساخته، راه را خواهیم یافت و راه های جدید را پیدا خواهیم کرد. صدر مائویمآموخته که باید به راه های جدید فکر کنیم و اشکال جدید را بیافرینیم. این مسئله ای اساسی است. او طرح کرد که در امور اقتصادی، مسئله بیک خط روشن سیاسی، یا باشکال تشکیلاتی و به تلاش های عظیم ختم می شود. در برخورد به تمامی مشکلات، بویژه آنها که مقابل ما قرار گرفته و هنوز حل نشده، ما ازین اعتقاد راسخ مائوئیستی آغاز می کنیم که وقتی احزاب کمونیست و توده ها وجود دارند هر معجزه ای امکان پذیر است.

آل دیاریو: حزب کمونیست پرو به امروز و فردای انترناسیونالیسم پرولتاری چگونه نگاه می کند؟ صدر گونزالو: اولاً، ما این را یک اصل - یک اصل بسیار مهم - می دانیم. زیرا پرولتاریا یک طبقه بین المللی است و ما کمونیست ها انترناسیونالیست هستیم. زیرا به هیچ طریق دیگری جز این نمی توانیم به کمونیسم خدمت کنیم. حزب ما همیشه متوجه تربیت اعضاء، جنگاوران و توده ها بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتاری بوده است؛ همیشه متوجه آموزش آنها بر مبنای مارکسیزم -

لنینیزم – مائوئیسم هستیم تا به انقلاب جهانی خدمت کنند و بدون خستگی و بدون انحراف بجنگند تا اینکه کمونیسم در جهان به ظهور رسد .

برای مدتی ارتباط مان با سایر احزاب قطع شد . بعدا این ارتباطات را مجددا برقرار ساختیم و سهم خود به مبارزه در راه جنبش بین المللی کمونیستی را ادا نمودیم . بهمین خاطر است که عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی هستیم و آنرا گامی در جهت اتحاد دو باره کمونیست های راستین می دانیم . فکر می کنیم که این وظیفه ای پیچیده است . اگر تشکیل حزب و ساختمان آن کاری پیچیده و مشکل است ، مبارزه برای اتحاد کمونیست ها که احزاب و سازمان های مختلف خود را دارند بسیار پیچیده تر خواهد بود . می دانیم که این وظیفه ای عظیم اما ضروری است . می دانیم که هم نظرانی داریم و کسانی هم هستند که با نظرات ما مبارزه می کنند . ما هم با وجود همه محدودیت های مان مبارزه می کنیم . باشد که انترناسیونالیسم پرولتری ، کمونیست های جهان را بر مبارزه متحد برای تحقق هدف نهایی مان گرد هم آورد . می فهمیم که این مسئله مسئله ای شدیداً پیچیده و دشوار است اما کمونیست ها برای بدوش کشیدن چنین وظایفی درست شده ایم .

آل دیاریو : حزب کمونیست پرو چه خدمتی به انقلاب جهانی کرده است ؟

صدر گونزالو : خدمت عمده ما، دفاع از مائوئیسم به مثابه مرحله جدید ، سومین و عالیترین مرحله مارکسیسم است . ما متعهد شده ایم کمک کنیم تا این ایدئولوژی در راس انقلاب جهانی قرار بگیرد . بعنوان بخشی از این کار کوشیدیم اعتبار و همه جانبه بودن مائوئیسم را نشان دهیم . بعلاوه ، کوشیدیم نشان دهیم که به اتکاء به تلاش های خویش می توان و باید خود را تامین کرد، از ابر قدرت ها یا هر نیروی امپریالیستی دیگر مستقل ماند و انقلاب را بانجام رساند . ما کوشیدیم قدرت جنگ خلق را به نمایش گذاریم . قدرتی که علیرغم همه محدودیت های ما آشکار گشته است . ما حتی الامکان کوشیدیم – بقول بعضی ها – امید بیافرینیم و این کار مسئولیت دارد : ماسنگری از انقلاب جهانی هستیم و نمونه ای در خدمت به سایر کمونیست ها . ما این چنین به انقلاب جهانی خدمت می کنیم .

نکات دیگر

آل دیاریو : صدر گونزالو ، ما به آخر این مصاحبه رسیده ایم . ما برای بیش از 12 ساعت صحبت کردیم . حالا می خواهم درباره شخص شما ، در باره دکتر آپیمال گوسمان رینوزو ، صحبت کنیم . آیا هیچک از افراد خانواده یا دوستان تان در رشد قابلیت ها و حرفه ای بودن شما در عرصه سیاست بر شما تاثیر داشته است .

صدر گونزالو : باید بگویم که من بیش از هر چیز تحت تاثیر مبارزه خلق به سیاست کشیده شدم . من روحیه مبارزه جویانه خلق را طی خیزش 1950 در آرکیهامشاهده کردم . در آن خیزش توده ها با خشمی بیش از حد می جنگیدند و پاسخی در خور به کشتار وحشیانه جوانان می دادند . من دیدم که چگونه با ارتش جنگیدند و آنان را وادار ساختند که به پادگانهای شان عقب نشینی کنند . دیدم که چگونه مجبور شدند برای درهم شکستن خلق از نقاط دیگر به آنجا نیرو اعزام دارند . این واقعه خوبی در حافظه من حک گشته است . به همان خاطر بود که بعداً هنگام مطالعه آثار لنین دریافتم که چگونه خلق ، چگونه طبقه ما وقتی به خیابان می ریزد و مارش خود را آغاز می کند قادر است مرتجعین را علیرغم تمامی نیروی شان بلرزه در آورد . مورد دیگر مبارزات سال 1956 بود که توده ها جنگیدند و برخی به آنها خیانت کردند . خب ! اپورتونیست ها و مرتجعین چنین می کنند .

اما توده ها جنگیدند و ادامه دادند . جنبش های قدرتمند توده ای جریان داشت . چنین وقایعی بود که به من کمک کرد تا قدرت توده ها را درک کنم و دریابم که آنها تاریخ سازند . اگر کمی به عقب برگردیم باید بگویم من این بحث را داشتم که قیام 1948 کالانورا هم ببینم . شجاعت خلق را بچشم خود دیدم . دیدم که چگونه قهرمانانه به خیابان می ریزند و چگونه رهبری به آنها خیانت می کند . و اگر بخواهم باز هم در حافظه ام پائینتر بروم فکر می کنم که جنگ جهانی دوم عمیقاً تحت تاثیر قرار داد . بله ، بطور مبهم انگار در خواب هستم . بیاد می آورم اخبار مهم را بخاطر می آورم . پایان جنگ را نیز بخاطر دارم که چگونه با هیاهو ، با بوق کشتی ها ، با صدای بلند گوها و با شادی بسیار پایان جنگ جهانی دوم را جشن می گرفتند . من توانستم به اصطلاح پنج قدرت بزرگ را که رفیق استالین نیز در میان شان بود بر صفحه روز نامه ها ببینم . این وقایع بر من تاثیر خود را نهادند و بطریقی ابتدائی و معشوش ایده قدرت ، توده ها و توانایی جنگ در تحول امور را در ذهن من نهادند . همه این چیز ها بر من مؤثر افتاد . من معتقدم که مثل هر کمونیست دیگری ، فرزند مبارزه طبقاتی و حزب هستم .

آل دیاریو : در چه سنی با مارکسیزم آشنا شدید ؟ در دبیرستان بودید با در دانشگاه ؟

صدر گونزالو : علاقه من به امور سیاسی در پایان دوره متوسطه و به واسطه وقایع سال 1950 شروع شد . طی سالیان بعد بخاطر دارم که با همشاگردی هایم یک گروه مطالعه ایده های سیاسی تشکیل دادیم . ما مشتاق مطالعه همه نوع ایده های سیاسی بودیم . احتمالاً می توانید کم و کیف آن دوره را درک کنید . این آغاز کار من بود . بعداً در کالج طی مبارزات دانشگاهی ، من اعتصابات بزرگ و مقابله کمونیست ها و آبریست ها و مباحثات را مستقیماً تجربه کردم . و بدین طریق علاقه نسبت به مطالعه کتب در من شعله ور شد . شخصی بمن کتاب " یک گام به پیش ، دو گام به پس " را قرض داد . از آن خوشم آمد و شروع به مطالعه کتب مارکسیستی کردم . سپس شخصیت رفیق استالین تأثیری تأثیری بزرگ بر من نهاد . در آن زمان افرادی که به سمت کمونیسم کشیده شده بودند و آنها که عضو حزب می شدند بر مبنای " مسایل لنینیسم " پرورش می یافتند . این نقطه اتکای ما بود ؛ و من آنرا آنگونه که شایسته بود مطالعه کردم . با جدیت ؛ با توجه به اهمیتی که داشت . به زندگی استالین علاقمند شدم . او برای ما مظهر انقلاب بود . برای پیوستن به حزب کمونیست مشکلاتی داشتم . آنها سیاست مضحکی داشتند . برای عضو حزب شدن باید پسر یا دختر یک کارگر باشی ، و من نبودم . اما سایرین معیار متفاوتی داشتند و بدین ترتیب من توانستم به حزب بپیوندم . من به جریان دفاع از استالین پیوستم . در آن دوره جدا ساختن او از ما همانند آن بود که جان از کالبد مان جدا گشته است . در آن روز ها آثار استالین بیشتر از آثار لنین تبلیغ می شد . آن روز ها اینگونه بود .

کمی بعد به دلایل شغلی سفری کوتاه به آیاکوچو کردم . فکر می کردم که اقامت کوتاه خواهد بود ، اما سالها طول کشید . من برای یکسال به آنجا رفته بودم . من نقشه های خود را داشتم ، اما پرولتاریا هم نقشه های خود را داشت . توده ها و خلق بطرق گوناگون ما را تغییر می دهند . آیاکوچو بمن کمک کرد که دهقانان را کشف کنم . در آن زمان آیا کوچو یک شهر بسیار کوچک عمدتاً روستایی بود . حتی اگر امروز شما به بخش های فقیر نشین بروید در آنجا دهقانان را می یابید . و اگر به سمت حومه شهر قدم زنید بعد از پانزده دقیقه خود را در روستا خواهید یافت . در آنجا بود که من شروع به درک صدر مائو کردم . فهم من از مارکسیزم پیشرفت کرد . تقابل میان مارکسیزم و رویونیسم در تکامل من نقشی بسیار مهم ایفاء کرد .

يك آدم بد شانس نامه مشهور چيني " پیشنهادیه در باره خط عمومي جنبش بين المللي کمونيستي " رابه من قرض داد . او به این شرط این نامه را بمن داد که بعدا به اوبازگردانم . بدون شك دزدي من قابل درك بود . این نامه مرا هدایت کرد که مبارزه عظیم بين مارکسیزم و رویزیونیزم را عمیقتر در یابم .

من متعهد شدم که درون حزب فعالیت کنم و رویزیونیزم را بیرون بریزم . و فکر مي کنم که همراه با سایر رفقا در اینکار موفق شدیم . ما نتوانستیم از پس يکي دونفر از آنها که دیگر زيادي جلو رفته بودند برآئیم . آنها رویزیونیست های سر سخت بودند . آیا کوچو اهمیت بسیاری برای من داشت . این اهمیت براه انقلابي و آموزه های صدر مائو مربوط مي شود . بنابراین از طریق این پروسه کلي بود که من يك مارکسیست شدم و حزب مرا پیگیرانه و با حوصله شکل داد . این اعتقاد منست .

آل دیاریو : خيلي ها از سفر شما به چین با خبرند . آیا هیچگاه موفق به دیدار صدرمائوشدید ؟
صدرگونزالو : آنقدر ها خوش شانس نبودم . من فقط توانستم او را از دور ببینم . اما من علاقه عمیق و اعلام پشتیبانی خلق نسبت به رهبري کبير و مارکسیستي فوق العاده که خود يك قله مارکسیزم بود را دیدم . همانطور که گفتم شانس ملاقات با او را نداشتم . هینتي که من جزوآن بودم خطاهای بسیار داشت و غرور احمقانه اي از خود بنمایش گذاشت . فکر مي کنم به همین علت بود که بما امتیاز ملاقات با صدر مائو راندادند .

بله من درچین بودم . در چین این شانس را داشتم که درمدرسه آموزش امورسیاسي – از مسایل بين المللي گرفته تا فلسفه مارکسیستي – شرکت کنم . دوست دارم که بسیاری از این شانس برخوردار باشند . درسهایی آموزنده این مدرسه را انقلابيون پیگیر و امتحان پس داده که آموزگاران بزرگی بودند ، تدریس مي کردند . در این میان مي توانم آموزگاري را بیاد بیاورم که بما درباره کار مخفي و علني درس مي داد . او همه زندگي خود را طی سالیان دراز فقط و فقط وقف حزب کرده بود . او نمونه زنده و آموزگاري عالی بود . بسیار چیز ها از او آموختیم . و او مي خواست بیش از اینها بما بیاموزد، اما برخي موافقت نکردند ؛ چرا که در آن دوره همه جور آدم داشتیم . بعدا بما مسایل نظامي را مي آموختند . اما این نیز با امور سیاسی همراه بود: جنگ که شامل شبیخون ها ، حملات تحریکات نظامي و نیز کار گذاشتن مواد منفجره بود . زمانیکه قرار بود با مواد شیمیائي حساس کار کنیم از ما خواسته مي شد که همواره قبل از هرچیز بر ایندئولوژی خود متکی باشیم . بدین طریق بود که از پس هرکاري بخوبي بر مي آمدیم . ما ساختن نخستین خرجهای انفجاري را آموختیم . برای من این نمونه و تجربه اي فراموش نشدني است . این درس مهم و گامی بزرگ در تکامل من بود – آموزش در عالیترین مدرسه مارکسیزم جهان که تاکنون دیده شده است .

بگذارید چیزی را برایتان تعریف کنم . زمانیکه دوره انفجارات را به پایان مي رساندیم بما گفتند که هرچیزی قابلیت انفجار دارد . در پایان دوره ما يك قلم را برداشتیم و آن قلم منفجر شده . صندلي را برداشتیم و آن هم منفجر شد . برای این کار از نمایشات آتش بازی استفاده کرده بودند . اینها نمونه های حساب شده اي بودند که بما نشان دهند هر چیز را مي توانیم در صورتیکه بخواهیم منفجر کنیم . ما مداوما مي پرسیدیم " چطور اینکار را مي کنید ؟ " و آنها پاسخ مي دادند نگران نباشید . دیگر به اندازه کافي یاد گرفته اید . بخاطر داشته باشید که توده ها قادر هستند ، آنها فراستي پایان ناپذیر دارند . آنچه ما بشما آموختیم را توده ها بلدند و دوباره به شما خواهند آموخت . این حرفي بود که به ما زدند . آن مدرسه به تکامل من کمک عظیمي کرد و به من کمک کرد که قدر صدرمائو را بدانم .

بعد ها من بیشتر آموختم و کوشیدم آموخته هایم را بکار بندم . بدنبال مقایسه خود با او نیستم بلکه صرفاً می خواهم از رفیعترین قله ها بعنوان نقطه رجوع برای دستیابی به اهدافشان استفاده کنم . اقامت من در چین تجربه ای فراموش نشدنی بود . من در فرصتی دیگر نیز هنگام آغاز انقلاب فرهنگی کبیر پرولتاریایی در آن کشور بودم . ما از آنها خواستیم که آنچه بعد ها اندیشه مائوتسه دون نام گرفت را برای ما تشریح کنند . آنها کمی بیشتر آموزش دادند و این کمی بیشتر به فهم من یاری رساند . چیزی که بنظر طنز می آید اینست که هرچه بیشتر مائوتسه دون را فهمیدم ، بیشتر به ارزش ما ریا تگی پی بردم ، از آنجا که مائوازمخواست که مارکسیزم را خلاقانه بکار بندیم من به گذشته بازگشتم و ماریا تگی را مجدداً مطالعه کردم . و متوجه شدم که او یک مارکسیست - لنینیست طراز اول بوده که بطور همه جانبه جامعه ما را تجزیه و تحلیل کرده است . بنظر طنز می آید ؛ اما حقیقت دارد .

آل دیاریو : چه احساسی دارد تحت تعقیب ترین فرد از جانب قوای سرکوبگر حکومت بودن ؟
صدر گونزالو : احساس اینکه دارای کارت رانجام می دهی و بشدت مشغول هستی . آنچه در طبقه ما ، خلق و توده هاست . و اینکه همیشه بدانیم که زندگی خود را در کف گرفته ایم . اگر چنین نباشد دیگر کمونیست محسوب نمی شویم . خب ! دشمن منطق خود را دارد و منطق ما توسط حزب تعیین گشته است . و من آرزو دارم که بیش از پیش برای این حزب مفید و حقیقی باشم . چرا که زندگی می تواند در هر کجای این راه به پایان رسد و بهر حال آغاز و پایانی دارد . گاهی بلند گاهی کوتاه .
آل دیاریو : آیا از چیزی می ترسید ؟

صدر گونزالو : ترس ؟ ترس و بیبایکی دوجه یک تضاد است . مسئله اینست که ایدئولوژی خویش را در دست گیریم و شجاعت را در صفوف خود دامن بزنیم . این ایدئولوژی ماست که ما را شجاع می سازد و بما جرئت می دهد . به عقیده من هیچکس شجاع دنیا نیامده است . این جامعه و مبارزه طبقاتی است که خلق و کمونیست ها را شجاع می سازد - مبارزه طبقاتی ، پرولتاریا ، حزب و ایدئولوژی ما . بزرگترین ترس چه می تواند باشد ؟ مرگ ؟ بعنوان یک ماتریالیست می دانم که زندگی را پایانی است . آنچه برای من مهم است خوشبین بودن است . با اعتقاد به اینکه دیگران راهی که من بدان متصل گشته ام را ادامه می دهند و آنرا تا رسیدن به هدف نهایی یعنی کمونیزم ، به پیش می برند . ترس من زمانی می تواند در میان باشد که فکر کنم هیچکس این راه را به پیش نخواهد برد . اما وقتی شما به توده ها ایمان داشته باشید ترس تان زائل می شود . فکر می کنم که در تحلیل نهایی بدترین ترسها از اینجا بر می خیزد که به توده ها ایمان نداشته باشی ، فکر کنی که هیچکس نمی تواند جای ترا پر کند . و خود را مرکز عالم بدانی . فکر می کنم این بدترین ترس است ! و اگر شما در کوره حزب ، ایدئولوژی پرولتاری و عمدتاً مائوئیزم آبدیده شده باشید می دانید که توده ها سازندگان تاریخ اند ؛ می دانید که حزب انقلاب می کند ؛ می دانید که پیشرفت تاریخ حتمی است ، انقلاب روند عمده است و آنگاه ترس تان زائل می شود . آنچه بجای می ماند احساس رضائیت از خدمتی است که به همراه سایرین در پر ریزی امر کمونیزم کرده اید . امری که زمانی در سراسر جهان خواهد درخشید و به همه جا روشنائی خواهد بخشید .
آل دیاریو : از شعر هم خوشتان می آید ؟

صدر گونزالو : بله : زمانی در یک مجموعه برگزیده به بررسی شعر در جهان پرداختم بیش از آن نیز مطالعاتی در این زمینه کرده بودم . در کتابخانه دانشگاه به برخی آثار دسترسی یافتم . از شعر خوشم می آید . بک جنبه دیگر از صدر مائو که مرا شیفته اش می سازد اینست که او شاعری فوق

العاده بود. از میان شعرای پرو و اله خو را دوست دارم. بله. او متعلق بماست. و فراتر از آن او يك کمونیست بوده است.

آل دیاریو: برخی می گویند دو سخنرانی شما یعنی " پرچم " و " مبارزه مسلحانه را در 1980 آغاز کنید " اشعار سیاسی زیبایی درباره جنگ هستند. در این مورد نظر شما چیست؟
صدر گونزالو: بنظر من برخی اوقات در امور سیاسی باید ذهن خود را پرواز دهی. این شیفتگی، این احساسات عمیق، عزم ما را جزمتر خواهد کرد. در چنین مواقعی است که می گویند قلب سخن می گوید و بعقیده من شور انقلابی که برای پیشبرد جنگ ضروری است تجلی می یابد. من واقعا نمی دانم آن نوشته ها از لحاظ شعری در چه حد هستند.

آل دیاریو: س آیا هیچوقت دچار یاس شده اید؟

صدر گونزالو: نه. بنظر من می آید که خوش بینی تقریبا بخشی از وجود من شده است. و بیشتر خود را با مسائل مربوط به درک کردن و تعهد درگیر می سازم تا با مشکل احساسات و حالات یاس. بر عکس. من فکر می کنم که به اندازه کافی خوشبین هستم. این مارکسیزم، صدر مانو است که بما می آموزد که خلق خصوصا کمونیست ها خوشبین هستند. هرگاه خود را در شرایط دشوار می یابم می گویم که جانب مثبتش را ببابم؛ یا بدنبال آن جنبه بالقوه باشم که درون آن شرایط در جهت تکاملی اش وجود دارد؛ چرا که هیچ چیز مطلقا سیاه یا مطلقا سرخ نیست. حتی اگر شکست بزرگی در کار باشد، هرچند هنوز ما با چنین شکستی روبرو نشده ایم، همیشه جنبه مثبت وجود خواهد داشت. نکته اینست که درسها را استخراج کنیم و کار خود را بر مبنای جنبه مثبت ادامه دهیم. شما همیشه کسی که پشتیبان تان باشد را خواهید یافت که شور و هیجان پیگیر و یاری اش به مبارزه را در طبق اخلاص نهد. چرا که کمونیزم خلق را متحد می کند

سخنرانی تاریخی 24 سپتامبر 92 صدرگونزالو

جنگ خلق پیروز خواهد شد ؛ خواهید دید !

رفقاي حزب کمونیست پرو ، جنگندگان ارتش چریکی خلق ، خلق پرو : ما در لحظاتی تاریخی بسر می بریم . همه ما این را می دانیم . هیچ دلیلی برای نادیده گرفتن این شرایط وجود ندارد . در چنین لحظاتی باید تمام قوای خود را متمرکز کنیم و بعد اکثر برسانیم تا بتوانیم به انجام وظایف مان ادامه دهیم . تا بتوانیم موفقیت های جدید و پیروزی را به کف آوریم !

مادر این سنگر هانبرد می کنیم ، زیرا ما کمونیست هستیم ! زیرا ما از منافع خلق ، از اصول حزب ، از جنگ خلق دفاع می کنیم . این کاری است که ما انجام می دهیم . هم حالا و هم در آینده ! ما اینجا در چنین شرایطی بسر می بریم . بعضی ها می گویند که این يك شکست بزرگ است . بگذار بهمین خیال باشند . امروز ما اعلام می کنیم که آنچه اتفاق افتاده صرفا پیچی در جاده است . هیچ چیز بیش از این نیست . پیچی در میانه جاده راه طولانی است و ما آنرا خواهیم پیمود . ما به مقصد خواهیم رسید و ما پیروز خواهیم شد ! خواهید دید .

ما باید وظایف مطروحه در پلینوم سوم کمیته مرکزی که واقعه ای شکوهمند است را ادامه دهیم ! این پلینوم آغاز گشته و ادامه خواهد یافت . ما باید طرح های جنگ خلق برای کسب قدرت را پیاده کنیم . ما به تکوین ششمین نقشه نظامی ادامه خواهیم داد . این وظیفه ماست ! ما باید همراه با پرولتاریا و خلق این امر را به انجام رسانیم !

امروز راه دموکراتیک بمتابه راه رهایی خلق تکامل یافته است ! در چنین شرایطی است که عملیات مان را توسعه می دهیم . و حال به کجای راه رسیده ایم ؟ به تعادل استراتژیک !

چشم بستن بر این واقعیات بیهوده است . بتاریخ پرو بنگرید . به قرون هجدهم ، نوزدهم و بیستم نگاه کنید و درسهایش را بفهمید ! اگر آنها را نفهمید کور خواهید ماند . اول سلطه اسپانیا بود . سلطه اسپانیایی ها ما را بکجارساند؟ به يك بحران عمیق که نتیجه اش تقسیم پرو بود . سرمنشاء سیاست های کنونی دولت اینجاست .

سپس به قرن نوزدهم نگاه کنید : به سلطه بریتانیا و این سلطه ما را بکجا رساند ؟ به يك بحران عظیم دیگر که نتیجه اش جنگ با شیلی بود . فراموشتان نشود ! چه اتفاقی افتاد ؟ پرو بخشی از خاکش را از دست داد !

و قرن بیستم ما در چه حالی بسر می بریم ؟ يك امپریالیزم بر ما مسلط است : امپریالیزم امریکا . واقعیت اینست . همگان این را می دانند و این سلطه ما را بکجا رسانده است ؟ اینك به بدترین بحرانی که کل تاریخ ما بیاد دارد ، به بدترین چیزی که خلق ما تا بحال تجربه کرده رسیده ایم . 12 سال مبارزه به خلق ثابت کرده که دولت پرو و ارتش پرو سراپا و تا مغز استخوان پوسیده اند . آنها ببرهای کاغذی هستند .

ما چکار باید بکنیم ؟ ما باید جنبش رهایی بخش خلق را به پیش رانیم و جنگ خلق را گسترش دهیم . زمان تشکیل يك جبهه رهایی بخش ملی فرارسیده است . زمان آن است که جبهه رهایی بخش خلق را حوش ارتش چریکی خلق تشکیل داده و گسترش دهیم . این کاری است که ما انجام خواهیم داد . این کاری است که در حال انجامش هستیم . این کاری است که برای انجامش حرك می کنیم !

مائوئیزم بدون مانع برای شکل دادن به موج نوین انقلاب جهانی پرولتري در حال پیشروی است. بشنویید و درك کنید. آنها که گوش دارند بگوش باشند، آنان که شعور دارند - که همگان دارند - آن را بکار بگیرند! بگذارید بر تمام این عوامفریبی ها نقطه پایان نهیم!

همان قوای متخاصم که به جنگ های اول و دوم جهانی دامن زدند در حال تدارك جنگ سوم جهانی هستند. باید این امر را آشکار ساخت. ما هرگز نمی توانیم اجازه دهیم که چنین چیزی بوقوع بپیوندد! دیگر بس است!

صدمین سالگرد تولد صدر مائو فرا می رسد!

سال آینده صدمین سالگرد صدر مائو خواهد بود. باید آنرا جشن بگیریم. ما يك جشن فراموش ناشدنی می خواهیم. این جشن را باید از امسال شروع کنیم و سال آینده به اوج برسانیم.

می خواهیم از فرصت استفاده کرده و به پرولتاريای بین المللی، به اکثریت عظیم ستمدیده درود بفرستیم. به همه کمونیست های پرو می گوئیم که جنگ خلق بطور اجتناب ناپذیر به پیروزی خواهد رسید.

به تولد نزدیک جمهوری خلق پرو ایمان داشته باشید.

افتخار بر مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

درود و افتخار بر خلق پرو!

دردفاع از صدر گونزالو

سه روز پس از دستگیری صدر گونزالو ، در تاریخ پانزدهم دسامبر ، کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی يك کارزار بین المللی دفاع از جان صدر گونزالو را طی اعلامیه ای با عنوان " زمین و آسمان را برای دفاع از زندگی صدر گونزالو به لرزه اندازید ! " اعلام نمود . مدت زمان اندکی پس از آن يك کمیته بین المللی بنام " کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از حیات ایمل گوسمن " با شرکت شخصیت ها و نیروهای سیاسی دارای تمایلات سیاسی گوناگون بوجود آمد . اینک متن اعلامیه کمیته " جا ا " و فراخوان " کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از حیات ایمل گوسمن " ذیلا نقل می گردد :

آسمان و زمین را برای دفاع از زندگی صدرگونزالو به لرزه اندازید !

رفیق گونزالو (ایمل گوسمان) ، صدر حزب کمونیست پرو و یکی از رهبران برجسته جنبش کمونیستی در سطح بین المللی ، در دوازدهم سپتامبر توسط رژیم ارتجاعی فوجیموری دستگیر گردید . این کار بعد از دوازده سال تعقیب بواسطه ارتش و پولیس پرو تحت هدایت دستگاه بدنام ضد شورش امپریالیزم امریکا صورت گرفت . گرچه قانون اساسی پرو مجازات مرگ را غیر قانونی قرار داده است ، اما قانون اساسی بحالت تعلیق در آورده شده و رژیم ، رفیق گونزالو را به اعدام تهدید می نماید و مطبوعات امپریالیستی افکار عامه را برای يك چنین جنابت وقیحانه ای آماده می کنند . بیکار برای دفاع از حیات رفیق گونزالو ، بصورت عاجلی برعهده مردم در سراسر جهان قرار گرفته است .

رفیق گونزالو با خط مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی خود در شروع و پیشبرد مداوم جنگ انقلابی خلق در پرو بر علیه طبقات حاکم و اربابان امپریالیست شان که قرن ها توده های پرویی را مورد استثمار قرار داده و زندگی شانرا بر باد داده اند ، يك نقش مرکزی بازی نموده است . رفیق گونزالو به رهبر شناخته شده میلیون ها تن کارگر و دهقان و دولت نوین در حال ساختمان آنها در جریان جنگ خلق مبدل گردیده است . او نه تنها برای منافع توده های پرویی بلکه برای خدمت به ستمدیدگان و استثمارشوندگان سراسر جهان ، انقلاب در پرو را به پیش هدایت کرده است . حتی خارج از پرو ، میلیون ها تن در سطح جهان که از سیستم وحشیانه بورژوائی حاکم بر جهان نفرت دارند ، به رفیق گونزالو و جنگ خلق تحت رهبری وی که نظم اجتماعی کهن را مورد ضربت قرار داده و نسیم انقلابی تازه برای رهایی را بدون تمایز در میان ستمدیدگان جهان جاری می سازد ، چشم دوخته اند .

گرفتاری رفیق گونزالو ضربت سختی بر مردم انقلابی سراسر جهان است ، و خطریکه حیات رفیق ما را تهدید می نماید بسیار زیاد است . همچنان این حمله برای ما يك فراخوان و يك دعوت به نبرد است که بر خیزیم و از طریق مبارزه اقدام ضد انقلابیون برای از میان بردن زندگی رفیق گونزالو ، را جلو بگیریم و شکست سختی بر دستگیر کنندگان وی وارد آوریم . دفاع از زندگی رفیق گونزالو ، به معنی دفاع از حق بردگان برای شورش است . به معنی دفاع از انقلاب و کمونیزم است .

رفیق گونزالو به خیانت متهم گردیده است ، درحالیکه این دولت پرو است که به اشاره و دستور اربابان آمریکایی اش کشور را کاملاً به آنها تسلیم کرده است .

رفیق گونزالو به مرگ 27000 تن متهم شده است ، درحالیکه این قوای مسلح پرو است که اکثریت بسیار بزرگ این تعداد را به قتل رسانیده ، چنانچه قتل عام های دهقانان و کارگران غیر مسلح و مدفون ساختن آنها در گورهای دستجمعی توسط این نیروها ، در سطح بین المللی قضایای افشاء شده ای اند .

رفیق گونزالو به " نقل و انتقال مواد مخدره " متهم شده است درحالیکه بخوبی مستند است که این ارتش و دولت پرو ، از پائین ترین تا بالاترین سطوح هستند ، که جرم صنایع مواد مخدر ، وقاچاق آنرا به گردن دارند .

رفیق گونزالو به تروریزم متهم شده است ، مگر این دولت پرو است که با بیرحمی در 1986 در جریان قتل عام افتضاح اور الفرانتون صد ها زندانی سیاسی را به قتل رساند و همچنان همین چندی قبل در ماه امسال چهل تن از زنان و مردان غیر مسلح ، در زندان کانتوگرانده را بصورت دستجمعی کشتار نمود .

رفیق گونزالو به از هم گسیختاندن اقتصاد ملی متهم می شود ، اما این رژیم بی عار و ننگ فوجیموری است که به سفارش های آی - ام - اف و بانک جهانی برنامه رسوایی " فوجی - شاک " را جهت به گرسنگی کشاندن و فقیر ساختن مردم پیش برده و شرایط مساعد برای شیوع وبا را بوجود آورد .

توانمندی و نیروی زیست انقلابی عالی خط سیاسی وایدئولوژیک رفیق گونزالو از ریشه های عمیقی که در میان کارگران ، دهقانان و روشنفکران پرو گرفته است ، از پیشرفت های مهم نظامی که جنگ خلق بدست آورده است ، از دولت پرولتری نوین در حال شکل گیری و از جوانه های آغازین جامعه نوین که در مناطق پایگاهی در روستاها و بوسعت رو به تزایدی در کلیه آبادی های اطراف شهر لیما سر برآورده اند ، بخوبی و روشنی نمایان است .

ما باید برای شناسایی شخصیت رفیق گونزالو بمثابه رهبر دولت در حال پدیدار شدن مردم پرو پیکار نمائیم . ما باید تقاضا نمائیم که قرارداد های بین المللی متعلق به اسیران جنگی و زندانیان سیاسی در مورد وی رعایت گردد . ما باید ستمدیدگان و استعمار شدگان را ، همه آنها را که با امپریالیزم و ارتجاع در ضدیت قرار دارند ، کمک نمائیم که شرایط این نبرد را بدانند ، ماباید آنها را با حقایق مسلح نمائیم .

ما نباید اجازه دهیم که حیات این رهبر کمونیست انقلابی گرانقدر و استوار را از میان بردارند .

آسمان وزمین را برای دفاع از زندگی صدرگونزالو به لرزه اندازید !

ما به رفیق گونزالو در پستش ، در پیشاپیش انقلاب در پرو و جنبش کمونیستی بین المللی کمونیستی ضرورت داریم !

برای رهایی وی پیکار نمائیم !

کمیته جنبش انقلابی انتر ناسیونالیستی

15 سپتامبر 1992

فراخوان براي تشكيل يك " كمیته اضطراري بين المللي جهت دفاع از جان دكتور آبيمان گوسمان "

روز 12 سپتامبر آبيمان گوسمان که مشهور به صدر گونزالو - صدر حزب کمونيست پرو - است توسط رژيم فوجيموري در ليما دستگير شد اين کار با کمک کامل دستگاه بد نام ضد چريکي امپرياليزم آمريکا صورت گرفت .

دلایل قطعي براي ترس از خطري که جان آبيمان گوسمان را تهديد مي کند وجود دارد . آبيمان گوسمان اسير دست يکي از خون آشام ترين حکومت هاي جهان است . دولت پرو بار ها زندانيان سياسي را به قتل رسانده است - از کشتار صد ها نفر در قتل عام سال 1986 در آفرانتون تا کشتن 40 زن و مرد با خونسردی در زندان کانتوگرانده در ماه مه امسال . قانون اساسي پرو معلق اعلام شده و فوجيموري تهديد ميکند که مجازات اعدام در مورد آبيمان گوسمان اجرا خواهد شد . نبايد اجازه دهيم که اين کار انجام شود .

هيچ ناظر آگاه و صادقي در مورد پرو وجود ندارد که عليرغم هر عقیده سياسي که داشته باشد ، بتواند مقام آبيمان گوسمان را بعنوان رهبر شناخته شده ميليون ها دهقان ، کارگر ، دانش جو ، روشنفکر و ديگر افراد از بخشهاي مختلف جامعه پرو نفي کند . به هيچ ترتيب نمي توان 12 سال جنگ طولاني که تحت رهبري وي به پيش رفته را بعنوان " اعمال تروريزم " معرفي کرد . بهيچوجه نميتوان جايگاه گوسمان بعنوان رهبر اسير شده يك حزب و ارتش انقلابي را نفي نمود . آبيمان گوسمان شايسته حمايت گسترده بين المللي است ؛ همانگونه که تمامی مخالفان امپرياليزم و رژيم هاي ارتجاعي که اسير گشته اند از آن بهره مند شده اند . او بايد اجازه دسترسي به وکلا ، روزنامه نگاران و پزشکاني که سلامتي اش را تضمين کنند ، داشته باشد .

اين امري عاجل است که افراد بسيار با صداي بلند از دولت پرو بخواهند به معاهدات بين المللي در مورد نحوه رفتار با زندانيان سياسي و زندانيان جنگي احترام بگذارد . بايد اين خواست را مطرح کنند که او نبايد به دادگاه نظامي برده شود . بايد خواست دفاع از جان آبيمان گوسمان را به پيش گذارند .

پس از تشكيل " کمیته اضطراري بين المللي براي دفاع از جان آبيمان گوسمان " کارزار بين المللي بي نظيري در دفاع از صدر گونزالو شکل گرفت و ادامه يافته اين کارزار ده ها سازمان و حزب سياسي ، صد ها شخصيت سياسي ، علمي ، هنري ، مطبوعاتي و حقوقي و ميليون ها نفر از توده هاي کشورهاي مختلف جهان را در دفاع از صدر گونزالو بسيج نمود . تا حال بتعداد هجده شماره از بولتن هاي اضطراري " کمیته اضطراري بين المللي براي دفاع از جان آبيمان گوسمان " انتشار يافته اند که در آنها اخبار و گزارشات اين کارزار بين المللي درج مي باشد . اين بولتن ها جداگانه از اين " ويژه نامه " انتشار يافته اند . لذا از درج مجدد آنها در اینجا خودداري مي نمائيم و صرفا به بازگويي آن فعاليت هاي مي پردازيم که به حزب کمونيست افغانستان و نيروهاي افراد افغانستانی هوادار انقلاب پرو مربوط بوده اند :

فعالیت های تبلیغاتی :

1 - اعلامیه کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ، فراخوان کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان آبیمن گوسمان ، بولتن های اضطراری و سایر اسناد مربوط به کارزار دفاع از صدر گونزالو ، منظمًا ، توسط حزب کمونیست افغانستان در میان اعضاء و هواداران حزب و نیروها و افراد افغانستانی طرفدار انقلاب پرو بطور مؤثری پخش و توزیع گردیده و توأم با آن تبلیغات شفاهی روشنگرانه وسیعی در دفاع از صدر گونزالو و انقلاب پرو پیش برده شده است .

2 - هواداران حزب کمونیست افغانستان در خارج از کشور ، یکجا با هواداران اتحادیه کمونیست های ایران ، فیلم ویدئویی " مردمان راه درخشان " را که قبلاً در تلویزیون بریتانیا بنمایش گذاشته شده بود ، تکثیر نموده اند تا برای انقلاب پرو کار تبلیغاتی معینی صورت گیرد و در عین حال با فروش آن یک مقدار پول برای ارسال به کمیته اضطراری تهیه گردد. اعلان مربوط به این فیلم به توسط یک پیام سیاسی در نشریه های " شهروند " و " همبستگی " درج گردیده اند . این دونشریه خوانندگان زیادی در میان فارسی (دری) زبانان دارد . جریده " همبستگی " ضمن پخش در ایالات متحده و کانادا ، در بعضی کشورهای اروپایی نیز توزیع می گردد . ذیلا متن پیام سیاسی و اعلان مربوط به فیلم متذکره نقل می گردد :

متعاقب دستگیری " رفیق گونزالو " (صدر حزب کمونیست پرو) " کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان آبیمن گوسمان " تشکیل شد . برای پیشبرد و ظایف این کمیته ، کارزار بین المللی جمع آوری کمک مالی به راه افتاده است . بدین مناسبت یک ویدیوی دو ساعته (متشکل از چهار بخش) درباره انقلاب پرو تکثیر شده و آماده پخش است . از آنجا که غرض تنها جمع آوری کمک مالی و رساندن صدای این انقلاب راستین به گوش زنده اندیشان می باشد ، بهاء برای آن تعیین نشده است . با فرستادن هر مقدار وجه بصورت نقده چک ویا مانی آوردن در وجه حامل (PAY TO CASH) به همراه نام و نشانی بازگشت به نشانی زیر ، یک نسخه از آن به اضافه جزوه مصاحبه رفیق در 1988 برای متقاضی ارسال خواهد شد .

P.O Box 48047 , 1881 Yonge St. Toronto , ONT . M4S-306

هواداران حزب کمونیست افغانستان

و

هواداران اتحادیه کمونیست های ایران (سربداران)

امضاء فراخوان کمیته اضطراری توسط دو گروه سیاسی افغانستانی :

" گروه توحیدی قیام مستضعفین " و " اتحاد راه زحمتکش " ، دوگروه سیاسی افغانستانی اند که تاحال فراخوان " کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان ابیمان گوسمان " را امضاء کرده اند ، که خبر مربوط به آن در بولتن اضطراری شماره 18 درج گردیده است . گروه توحیدی قیام مستضعفین که یک گروه سیاسی مذهبی طرفدار مواضع ایدئولوژیک دکتر علی شریعتی است، یکی از گروه های سیاسی افغانستانی است که تا حال علاوه بر حزب کمونیست افغانستان علیه ضد انقلاب 8 ثور رسماً موضعگیری نموده است .

فعالیت های اعتراضی :

1 (14 سپتامبر : رفیق حزبی قونسول پرو مقیم سانفرانسیسکو را پای تلفن می خواهد و از جریان دستگیری صدر گونزالو از وی معلومات می خواهد . وقتی قونسول ، گونزالو را متهم به تروریست بودن می کند و می گوید ، گونزالو عامل چندین میلیون خساره اقتصادی گردیده است ؛ رفیق به قاطعیت می گوید گونزالو رهبر خلق پرو ، صدر حزب کمونیست و دولت دموکراتیک خلق پرو است . صدر گونزالو و حزب کمونیست پرو نه تنها عامل خسارات اقتصادی پرو نیست ، بلکه یگانه راه نجات پرو را از فقر و عقب ماندگی نشان می دهد . قونسول می گوید شما از وضع پرو خبر ندارید ، بیائید که از نزدیک گپ بزنیم تا یکدیگر خود را بشناسیم . رفیق می گوید من عضو حزب کمونیست افغانستان می باشم . من از مبارزه خلق پرو و حزب کمونیست پرو باخبر می باشم، حزب ما بمثابة حزب برادر از حزب کمونیست پرو ، از صدر گونزالو قاطعانه دفاع می کند . تروریست حقیقی فوجیموری است که هزاران هزار زندانی را سر به نیست کرده است . تروریست آلن گارسیا ، و بلانده است که تاریخچه ننگین سرقت دارائی های مردم در کارنامه اعمال شان است . من ضرورت به این ندارم که شخص شما را ببینم . توده های مردم قونسولگری شما را مورد خشم و اعتراض خود قرار می دهند و من در جمله همان تظاهرکنندگان به شما ننگ و نفرین می فرستم . توده ها به این عمل جنایت کارانه شما پاسخ می گویند . قونسول که حرف در دهندش خشک شده بود ، گوشی را گذاشت . بار دیگر که تلفن زده شد قونسول پای تلفن حاضر نشد .

2 (سپتامبر : کمیته منطقی خارج از کشور حزب کمونیست افغانستان نامه اعتراضیه به سفارت پرو در ایالات متحده می فرستد . نقل های این نامه اعتراضیه به قونسولگری پرورد سانفرانسیسکو ، سفارت پرو در کانادا ، قونسولگری پرو در تورنتوی کانادا ، دفتر دفاع از حقوق بشر ملل متحد در نیویارک و دفتر مرکزی سازمان عفو بین المللی در لندن نیز فرستاده شد .

اعتراض نامه

آقای جورج والدز
 کاردار سفارت
 سفارت پرو
 1700 ماساچوسیتس اوی . ن . و
 واشنگتن . د . س 20036
 آقایان !

دردوازدهم سپتامبر 1992 ، حکومت شما بعد از يك تعذيب دوازده ساله ، ابیمیل گوسمن را گرفتار نمود . ابیمیل گوسمن صدر حزب کمونیست پرو است که ذرايع رسمي شما آنرا راه درخشان مي نامند . دستگیری دريك ساحه مسکوني لیما در شب صورت گرفته . نیروهاي مسلح حزب کمونیست پرو در ساحه موجود نبودند تا در مقابل تهاجم مقاومت نمایند . حکومت شما ، ابیمیل گوسمن و رهبر جمهوری دموکراتیک نوین تازه ایجاد شده پرو را مورد حمله قرار داد .

آقای آلبرتو فوجیموری ، کسی که در اولین ماه حکمرانی اش قانون اساسی پرو را بحالت تعلیق درآورد ، پارلمان را منحل کرد و حقوق تمامی احزاب سیاسی را پامال نمود ، ابیمیل گوسمن را " دشمن درجه اول ملت " نامید . پس از بقدرت رسیدن فوجیموری ، تشدد نظامی ، تاخت و تازهای پولیس بر کلیه آبادی های لیما و تخلف از حقوق بشر مضاعف گردیده اند . هزاران گم شده گی ، صد ها مورد اعدام بدون محاکمه و موارد بیشماری از شکنجه های خوفناک ، طاعون زده گی حکومت آقای فوجیموری را نشان مي دهند . با این چنین سوابقی ، فوجیموری مي خواهد ابیمیل گوسمن را در جایگاه " محاکمه بخاطر خیانت " قرار دهد !

همانطوریکه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو ، بدنه تشکیلاتی حزب ، ارتش چریکی خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو و احزاب و سازمانهای برادر حزب کمونیست پرو در سراسر جهان ، حمله بر ابیمیل گوسمن را يك عمل جنگی مي دانند ، حزب کمونیست افغانستان قویا عملکرد جنایتکارانه حکومت پرو علیه رفیق ابیمیل گوسمن را محکوم مي نماید . حزب کمونیست افغانستان حمله مذکور را يك جنگ اعلام نا شده مي داند که در تخالف با قوانین بین المللی جنگ قرار دارد . از میان رفتن حیات 25000 نفر پروئی و تخریب 22 میلیارد دالر از دارایی های مردمان پرو در جریان ده سال گذشته ، مشکلی است ناشی از ناخوشی های ذاتی حکومت های پرو . حکمرانان پرو ، حکمرانان گذشته و حکمرانان فعلی ، بمثابة دشمن درجه اول مردم پرو عمل مي نمایند . آنها باید دردادگاه های مردم مورد محاکمه قرار بگیرند و قرار خواهند گرفت . ابیمیل گوسمن ، حزب کمونیست پرو و ارتش چریکی خلق برای عدالت مي جنگند . آنها سلاح برداشته و جنگ خلق را براه انداخته اند تا جنگ غیر عادلانه را یکبار و برای همیشه از میان بردارند .

بر اساس این برداشت ، حزب کمونیست افغانستان بصورت عاجل مطالبه مي نماید :

- 1 - ابیمیل گوسمن باید به وکیل مدافعش دسترسی داشته باشد .
- 2 - امکانات مراقبتهای صحی توسط تیمهای بین المللی باید برای ابیمیل گوسمن وجود داشته باشد .
- 3 - باید با ابیمیل گوسمن مطابق به قوانین بین المللی در مورد اسرای جنگی رفتار گردد .

کمیته منطقی حزب کمونیست افغانستان

(مارکسیست - لنینیست - مائونیست)

3) 5 اکتوبر : از طرف هواداران حزب کمونیست افغانستان ، تلگرامی به فوجیموری در قصر ریاست جمهوری لیما به این مضمون مخابره شد : " از توطئه علیه صدر گونزالو دست بردارید صدر گونزالو باید همین حالا آزاد گردد " .

جمع آوری کمک مالی :

1) هواداران حزب کمونیست افغانستان در خارج از کشور تا حال مبلغ هفتصد دالر کمک مالی جمع آوری نموده و به " کمیته اضطراری دفاع از حمایت ابیمیل گوسمن " فرستاده اند .
2) تعدادی از آواره گان افغانستانی در پاکستان ، مبلغ دوصد دالر کمک مالی جمع آوری نموده و توام با یک پیام سیاسی حمایتی به " کمیته اضطراری دفاع از حیات ابیمیل گوسمن " فرستاده اند که خبر مربوط به آن در بولتن شماره 18 درج گردیده است . اینک متن پیام آواره گان افغانستانی به کمیته اضطراری بین المللی برای دفاع از جان ابیمیل گوسمن .

به کمیته اضطراری بین المللی دفاع از ابیمیل گوسمن (صدر گونزالو)

دوستان محترم !

اقدام شجاعانه شما برای تشکیل کمیته اضطراری و براه انداختن کار زار بین المللی دفاع از ابیمیل گوسمن ، درخور ستایش و تمجید فراوان است . این اقدام نه تنها انقلابیون پرو را در پیشبرد دلاورانه مبارزات شان تشجیع می نماید ، بلکه باعث قوت قلب انقلابیون سراسر جهان می گردد . ما آواره گان افغانستانی امضاء کننده این سند که وحشیگری های مرتجعین و امپریالیست ها علیه زندانیان سیاسی انقلابی را در کشور خود - بویژه از کودتای هفت ثور و تجاوز قوای شوروی تا حال شاهد بوده ایم و تعدادی از ما خود مستقیماً زهر این وحشیگری ها را چشیده ایم ، اصولیت ، درستی و عادلانه بودن اقدام شما را با گوشت و پوست خود لمس می نمائیم و جهت به پایان رساندن موفقیت آمیز آن طبق توان و امکانات مان سعی و تلاش به عمل خواهیم آورد . ما شرکت در کارزار دفاع از ابیمیل گوسمن را بخشی از مبارزات انقلابیون کشور خود می دانیم که به نحو بسیار فشرده ای با مبارزه علیه نظام حاکم ورژیم آشتی ملی در افغانستان در پیوند قرار دارد . رژیمی که اینک در کشور ما حاکم است و در اثر مصالحه و آشتی میان جنایت کاران خلقی ، پرچمی و مرتجعین دست پرورده امپریالیست های غربی در رهشت ثور امسال قدرت را به دست گرفت ، همانند رژییم فوجیموری ، ویا بهتر گفته شود بمراتب وحشی تر از آن ، می باشد و به این صورت در حقیقت برادر سکه آن رژییم محسوب می گردد . مبارزه علیه " رژییم آشتی ملی " در افغانستان با مبارزه علیه رژییم فوجیموری در پرو باهم در پیوند قرار دارد ؛ زیرا در جهانی که مرتجعین و امپریالیست ها همه در اتحاد باهم علیه انقلابیون و خلق ها قرار دارند ، انقلابیون و خلق های جهان نیز باید دست در دست هم بدهند و متحدانه علیه دشمنان شان برزمنند .

دوستان محترم !

ما از لحاظ اقتصادی در مضیقه بسیار شدیدی قرار داریم و پولی را جهت ارسال برای تان تهیه کرده ایم (200) دالر بسیار ناچیز است ، اما بهر حال بنا به قول معروف " برگ سبز تحفه درویش " آنرا برایتان می فرستیم . صمیمیت ، خلوص نیت و همبستگی ما را بپذیرید .

**زنده باد انقلاب !
مرگ بر ارتجاع و امپریالیزم!**

تعدادی از آواره گاه افغانستانی در پاکستان
1992/11/28

کارزار دفاع از صدر گونزالو همچنان ادامه دارد و ما امیدواریم که علیرغم محدودیت های مان بتوانیم فعالیت های بیشتر و مؤثرتری در جهت ادامه و پیشبرد کار زار انجام دهیم .

" باز تایپ توسط (حبیب) "